

# آسیب‌شناسی و ارائه الگوی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد غیر بانکی در کشور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

۱۱۹ سیدمحمد افقهی\*  
محمدحسین قوام\*\*  
مصطفی شهیدی نسب\*\*\*

## چکیده

دسترسی به خدمات مالی همواره از جمله مهم‌ترین عوامل پیشرفت و آبادانی مطرح شده است. هرچند وضعیت شاخص دسترسی به اعتبار در کشور چندان مناسب نیست، عمده تلاش‌های صورت گرفته در زمینه تأمین مالی خرد نیز با موفقیت کامل همراه نبوده است. پژوهش حاضر به آسیب‌شناسی وضعیت موجود و طراحی الگوی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد با هدف افزایش دسترسی به تأمین مالی برای افراد و کسب و کارهای خرد خواهد پرداخت. در این مطالعه از روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمی) استفاده شد. ابتدا با بهره‌گیری از تحلیل مضامین اسناد و مصاحبه‌های خبرگانی به نقد وضعیت شمول مالی در کشور و تجربه‌های داخلی و خارجی تأمین مالی خرد پرداخته شده و چالش‌های موجود استخراج و تحلیل شد. سپس با کمک خبرگان به طراحی الگوی پیشنهادی پرداخته شد. در ادامه به جهت سنجش اعتبار الگوی طراحی شده در دو بعد کارایی اقتصادی و اثربخشی اجتماعی، از توزیع پرسشنامه میان خبرگان استفاده شده و الگوی حاضر مورد بررسی و تأیید خبرگان قرار گرفت. این مقاله با بهره‌گیری از پنج حلقه مردم، نهادهای محلی،

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیدمحمد افقهی به راهنمایی دکتر محمدحسین قوام و مشاوره دکتر مصطفی شهیدی نسب در دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام است.

\*. دانشجوی دکتری مهندسی مالی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: sm\_afghahi@atu.ac.ir.

\*\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

Email: ghavam@isu.ac.ir.

\*\*\* دانشجوی فوق دکتری مدیریت مالی دانشگاه امام صادق علیه السلام.

Email: m.shahidinasab@isu.ac.ir.

نهادهای متمرکز، سرمایه‌گذاران و شورای راهبری، با تمرکز ویژه بر حلقه‌های مردمی و همچنین توجه ویژه به گزارش‌دهی و مطالبه‌گری، علاوه بر افزایش شمول مالی، از اتکای به بانک در تسهیلات تولیدی و مصرفی ضروری خرد کاسته، همیاری اجتماعی را تشویق نموده و با نظام‌مند نمودن مسیر حمایت‌های دولتی در زمینه تأمین مالی خرد، به تعمیق رابطه مردم و حاکمیت می‌پردازد. همچنین با تقسیم کار واحدهای محلی و واحدهای متمرکز موجب تخصصی‌تر شدن فرایندها شده و با معرفی کمیته راهبری تأمین مالی خرد سعی در تنظیم رابطه تأمین مالی خرد با حاکمیت داشته است.

**واژگان کلیدی:** اعتبارات خرد، مؤسسات تأمین مالی خرد غیر بانکی، شمول مالی، تأمین مالی مردمی. طبقه‌بندی JEL: G21, Z10, D71.

## مقدمه

توسعه خدمات مالی تأثیر بسزایی در پیشرفت اقتصادی کشورها داشته است. نه تنها بخش مالی با تسهیل تأمین مالی برای سلامت، آموزش و کسب‌وکار به مردم کمک می‌کند تا از فقر رهایی یابند، بلکه مدیریت شرایط بحرانی -مانند ازدست‌دادن شغل یا ورشکستگی که می‌تواند خانواده‌ها را دچار فقر کند- را آسان‌تر می‌کند (Karlan, et al., 2016, pp.1-3). مطالعات گوناگون بر اهمیت دسترسی کشورهای فقیر به خدمات مالی تأکید می‌کنند؛ اما این امر در برخی کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شمول مالی به معنای دسترسی افراد بزرگسال و کسب‌وکارها به انواع مختلف خدمات مالی مناسب توانایی آنان در استفاده مؤثر از این خدمات است (Demircug-Kunt, et al., 2017, p.1). در پایین‌ترین سطح خود، شمول مالی با داشتن حساب سپرده یا حساب معاملاتی (حساب جاری) در بانک یا سایر مؤسسات مالی آغاز شده و در سطوح بعد به دسترسی خانوار و کسب‌وکارها به تسهیلات و خدمات پیچیده‌تر می‌رسد (Mohmed, 2020, pp.13-14). وضعیت شاخص‌های پایه شمول مالی (دسترسی به بانک و نقاط خدمات‌دهی)

در ایران بسیار خوب است؛ با این حال همچنان وضعیت موجود در شاخص دسترسی به اعتبار فاصله زیادی تا نقطه مطلوب خود دارد (عینیان، ۱۳۹۴، ص ۴۲۶-۴۲۸).

بر اساس تجربه، نظام مالی متعارف در فراهم نمودن خدمات متناسب نیازهای تمامی اقشار و کسب‌وکارهای گوناگون جامعه ناتوان است (Ledgerwood, 2013)؛ چراکه گذشته از مشکلات بنیادینی چون هزینه معامله و اطلاعات نامتقارن بالا در تعامل بانک با اقشار فقیر و کسب‌وکارهای کوچک‌تر (آرمانداز و مرداک، ۱۳۹۱)، مسئله منفعت شبکه بانکی نیز مؤثر بر جهت‌دهی منابع به سوی بخش‌های بازرگانی و خدمات -که سهم کمتری از ارزش افزوده و اشتغال کشور را در اختیار دارند) و انحراف از تأمین مالی مناسب بخش کشاورزی و صنعت (عزیزنژاد، شهبازی و روحانی، ۱۳۹۸، ص ۶۴۹) و کسب‌وکارهای کوچک‌تر بوده است (عزیزنژاد، شهبازی و روحانی، ۱۳۹۸، ص ۶۶۳-۶۶۵). این در حالی است که این کسب‌وکارها نقشی بی‌بدیل در توسعه اقتصادی در سرتاسر جهان داشته‌اند (European Commission, 2020). از سوی دیگر بررسی‌ها حاکی از آن است که ورود مستقیم دولت به بازار اعتبار با هدف جبران ضعف دسترسی افراد و کسب‌وکارها و اختصاص تسهیلات اشتغال‌زایی و توسعه کسب‌وکارهای خرد نیز با چالش‌های متعددی مانند افزایش کژگزینی و سوءتخصیص منابع (Joaquim, Netto and Ornelas, 2021, pp.44-45) همراه بوده و اثربخشی این طرح‌ها در کشور در حاله‌ای از ابهام است (حبیب‌الله و خسروی، ۱۴۰۰، ص ۱۳).

با هدف پوشش این خلأ، جنبش تأمین مالی خرد از سال‌های پایانی قرن بیستم میلادی شکل گرفت. تا نیازهای مالی افراد و کسب‌وکارهای خردی را که پیش‌تر از خدمات مالی محروم مانده بودند، پوشش دهد. از آن هنگام الگوهای متعددی در زمینه تأمین مالی خرد در جهان تشکیل شد که از جمله آنها می‌توان به الگوی بانک گرامین بنگلادش، الگوی بانک راکیات اندونزی و انواع الگوهای تجربه‌شده در آمریکای جنوبی اشاره نمود.<sup>۱</sup> در جمهوری اسلامی ایران نیز فعالیت‌های متعددی با اهداف مشابه توسط حاکمیت انجام شده که در اشکال گوناگون در برخی فعالیت‌های بانک کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی (ره)،

۱. مطابق آمار اجلاس کمپین تأمین اعتبارخرد در دهه ۲۰۱۰ تأمین مالی خرد به طور مستقیم در زندگی حدود ۸۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد نفر در سرتاسر جهان تاثیر گذار بوده است.

پست‌بانک، معاونت اشتغال و کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بنیاد برکت، بنیاد علوی و سازمان بهزیستی کشور قابل ردیابی است. علی‌رغم حجم بالای تخصیص منابع بانکی به تسهیلات خرد و طرح‌های اجرا شده در تأمین مالی خرد، همچنان دسترسی اقشار کم‌برخوردار و همچنین کسب‌وکارهای خرد خانگی و روستایی به انواع خدمات تأمین مالی در کشور با مشکلات فراوانی مواجه است. از سوی دیگر از جمله برنامه‌های دولت سیزدهم، اصلاح نظام بانکی در جهت سهولت دریافت تسهیلات مطرح شده است. با این حال با توجه به جهت‌گیری‌های موجود بیش از همه بر حذف عوامل فرایندی و تسریع جریان ارائه خدمات به مشتریان ذی‌صلاح فعلی (دارای وثایق معتبر ملکی و یا شاغلان رسمی) متهی شده و در عمل دسترسی مالی را برای اقشار محروم و کارآفرینان خرد و روستایی به همراه نخواهد داشت. با توجه به وضعیت اقتصادی امروز کشور، تقویت فعالیت‌های تأمین مالی خرد و در نتیجه آن بهبود دسترسی کسب‌وکارهای خرد و روستایی و افراد محروم از خدمات، خصوصاً در مناطق محروم، منجر به توسعه آبادانی و پیشرفت در کشور شده و بهبود معیشت اقشار کمتر برخوردار جامعه شده و از اهمیت بالایی برخوردار است.

علی‌رغم مطالعات گسترده در ابزارها و سازوکار درونی مؤسسات عرضه‌کننده تأمین مالی خرد صورت گرفته است، کمبود مطالعات کلان‌نگر در این زمینه محسوس است. بدون شک موفقیت فعالیت‌های تأمین مالی خرد مستلزم شناختن سلسله نهادهای درگیر، مراتب اقدامات و فعالیت‌ها ساختاری و تدوین سازوکاری نظام‌مند در قالب «زنجیره عرضه خدمات تأمین مالی خرد» است. زنجیره عرضه تأمین مالی خرد ساختار هدفمندی از مجموعه ساختارها، فعالیت‌ها و روابط زنجیره‌وار عوامل دخیل در عرضه محصول است. طراحی این زنجیره از شناخت مجموعه نهادها، ارتباطات میانی و فعالیت‌های دخیل در فرایند تأمین مالی خرد آغاز شده و به ایجاد خلق ارزش‌های مورد نظر خواهد انجامید. در پژوهش حاضر تلاش بر پاسخ به این سؤال اصلی خواهیم داشت که «الگوی مطلوب زنجیره عرضه خدمات تأمین مالی خرد در کشور به چه صورت خواهد بود». در ضمن پاسخ‌گویی به این سؤال نیازمند بررسی سؤال فرعی «آسیب‌ها و راهکارهای ناظر به زنجیره عرضه خدمات تأمین مالی خرد در کشور چیست» خواهیم بود.

## پیشینه تحقیق

سالانه پژوهش‌های متعددی در زمینه تأمین مالی خرد در سطح کشور و جهان صورت می‌پذیرد. با این حال عمده این مطالعات به ابزارهای تأمین مالی خرد یا مؤسسات عرضه‌کننده نهایی خدمات تأمین مالی خرد مرتبط بوده و تعداد مطالعات کلان‌نگر با هدف طراحی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد و مطالعات صورت‌گرفته در حوزه تقویت نقش مردم در این فرایند محدود است.

۱۲۴

آقابابایی (۱۳۸۶، ص ۱۸۷-۲۰۱) در رساله‌ای با عنوان «تحلیل مسائل نهادی مالیه خرد برای ارائه سازوکار عملیاتی آن در ایران» به بررسی نهادهای مختلف تأمین مالی خرد در کشور پرداخته و با مرور تجربیات بین‌المللی الگوی پیشنهادی خود را ارائه کرده است. در این الگو از ایده سازمان‌های اپکس (Apex) استفاده شده است. این سازمان‌ها با استفاده از مشاوره تخصصی نهادهای بین‌المللی و تحت نظارت بانک مرکزی، صرفاً به ارائه خدمات فنی (دانشی) به سازمان‌های غیر دولتی که خود صاحب مؤسسات تأمین مالی خرد هستند، می‌پردازند. شورای عالی استان مسئولیت معرفی سازمان‌های غیر دولتی موجود در استان به سازمان‌های اپکس تخصصی را بر دوش می‌کشند. از مزیت‌های این الگو، توجه به ظرفیت‌های ساختاری-نهادی کشور است. عدم توجه به نقش مردم در برپایی و مدیریت فرایند تأمین مالی خرد از جمله خلأهای این الگوست.

طغیان‌ی دولت‌آبادی (۱۳۸۶، ص ۱۲۸-۱۳۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأمین مالی خرد در ایران و راه‌های توسعه آن (با رویکردی اسلامی)» اقدام به ارائه ایده استفاده از شبکه‌سازی جهت ساماندهی زنجیره عرضه خدمات تأمین مالی خرد در کشور کرده است. مطابق این الگو، یک شبکه تأمین مالی خرد متشکل از گروهی از نهادهای محلی تأمین مالی خرد است که نقش‌هایی از جمله تسهیل‌گری برای پیش‌برد برنامه‌های مشترک، نمایندگی تأمین مالی خرد جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌های مرتبط، مبادله اطلاعات و تجارب و تشریک مساعی برنامه‌های تعریف‌شده را بر دوش می‌کشد. وی اعتقاد دارد اضافه‌شدن شبکه‌ها به نظام تأمین مالی خرد کشور، منجر به کاهش موازی‌کاری و همپوشانی شده و انتقال اطلاعات و تجربیات موجود را به نحو مؤثری افزایش خواهد داد. شایان ذکر است از منظر او نهادهای تأمین مالی خرد محلی هر گونه نهادهای رسمی یا غیررسمی‌اند که فعالیت‌های مشابه تأمین مالی خرد

را به انجام می‌رسانند. از جمله مزیت‌های اصلی این الگو، تقویت نقش مردم در تأمین مالی خرد است.

فانکنی و شورله (Scheurle and Fanconi, 2017, pp.33-37) در کتاب پول کوچک، تأثیر بزرگ به ارائه الگوی زنجیره عرضه مطلوب تأمین مالی خرد پرداخته‌اند. آنها حضور چهار دسته بازیگران مختلف شامل سرمایه‌گذاران، صندوق‌های تأمین مالی خرد - به عنوان تجمیع‌کنندگان منابع - و نهادهای محلی تأمین مالی خرد و کارآفرینان خرد را که وظیفه ثروت‌آفرینی را بر عهده دارند، لازم دانسته‌اند. از نقاط قوت این الگو می‌توان به توجه به تنظیم‌گری و ارائه راهکاری نوآورانه برای آن در قالب زنجیره عرضه اشاره نمود. عدم اشاره به نقش مردم در تأمین مالی خرد و سکوت در زمینه نقش دولت در تأمین مالی خرد نقاط خلأ اصلی الگوست.

بک و راجا کریشنان (Beck and Radhakrishnan, 2017, pp.124-135) در مقاله خود با عنوان «ترسیم زنجیره ارزش تأمین مالی خرد» با استفاده از منطق زنجیره عرضه اقدام به طراحی الگویی شش حلقه‌ای شامل حلقه ورودی (سرمایه‌گذاران)، حلقه عملیات (مؤسسات تأمین مالی خرد)، آمایش (فعالان محلی)، توزیع (کارمندان اعطای وام)، هم‌آفرینی (دریافت‌کنندگان تسهیلات) و حلقه بازاریابی (پتلفرم‌ها و مبلغان داوطلب) مختلف نموده‌اند. نقاط قوت توجه به حلقه باخورد و پیرنگ‌بودن نقش مردم در این زنجیره عرضه است. اصلی‌ترین نقاط خلأ، سکوت در زمینه نقش دولت و رابطه آن با زنجیره عرضه تأمین مالی خرد و عدم توجه به تنظیم‌گری تأمین مالی خرد است.

آرمسترانگ، احسن و ساندرامورتی (Armstrang, Ahsan and Sundramurthy, 2017, pp.147-151) در مقاله «زیست‌بوم تأمین مالی خرد: چگونه اتصال‌دهندگان، تعامل‌کنندگان و نهادسازها هم‌آفرینی ارزش می‌کنند» به بررسی بازیگران مؤثر در زیست‌بوم تأمین مالی خرد پرداخته‌اند. به عقیده آنها زیست‌بوم تأمین مالی خرد از دو دسته مؤسسات تأمین مالی خرد بزرگ (نهادسازها و اتصال‌دهندگان) و مؤسسات تأمین مالی خرد کوچک (تعامل‌کنندگان) تشکیل شده است. وظیفه تعامل‌کنندگان که به صورت محلی فعالیت می‌کنند، تعامل نزدیک با اقشار جامعه هدف، ایجاد حلقه‌های اجتماعی و همچنین انتقال اطلاعات به نهادهای بزرگ است. مؤسسات اتصال‌دهنده در تعامل با سرمایه‌گذاران، سرمایه

ها را به سوی موارد پیشنهاد شده توسط مؤسسات تعامل کننده هدایت می‌کنند. مؤسسات نهادساز کمک به ایجاد مؤسسات کوچک تأمین مالی خرد به وسیله حمایت و آموزش از مسیر اشتراک‌گذاری تجربیات برتر و تولید علوم مرتبط با عملیات تأمین مالی خرد است. توجه به فناوری‌های مالی از تمایزهای این الگوست.

لجروود (2013, pp.36-44) در فصل اول کتاب هندبوک جدید تأمین مالی خرد:

۱۲۵ **The New Microfinance Handbook: A Financial (Market System Perspective)** رویکردی مبتنی بر نظام مالی (Market System Perspective) سیستمی جهت عرضه خدمات تأمین مالی خرد را ارائه نموده است. در زنجیره عرضه سیستم خود به سرمایه‌گذاران و حامیان، نهادهای تأمین مالی خرد و نهادهای تسهیل‌گر اشاره نموده است. نهادهای تسهیل‌گر، بازیگرانی خارج از نظام اصلی تأمین مالی خرد است که اغلب توسط دولت‌ها یا خیرین تأسیس و به طور موقت نقش حمایت‌های مالی، انسانی و سیاسی را از مؤسسات تأمین مالی خرد بر عهده خواهند داشت. هرچند در کوتاه‌مدت اهداف عملیاتی متفاوتی را دنبال می‌کنند، تنها هدف بلندمدت آنها خودکفایی و استقلال زنجیره عرضه تأمین مالی خرد (متشکل از دولت و خیرین، مؤسسات محلی و مردم) و خروج تسهیل‌گران از نظام تأمین مالی خرد است. این نهادها به عنوان واسط میان دولت یا خیرین و مؤسسات محلی منجر به تقویت عرضه تأمین مالی خرد خواهند شد.

تاری (۱۳۹۳) در مقاله «تأمین مالی خرد بنگاه‌ها به شیوه قرض‌الحسنه» به معرفی ظرفیت‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه صنفی در تأمین مالی بنگاه‌های خرد و ارائه پیشنهادهایی تکمیلی در این حوزه پرداخته است. وی پیشنهاد کرده است به جهت بهبود توان مالی صندوق‌های قرض‌الحسنه، این صندوق‌ها بتوانند از بانک‌های دولتی استقراض کنند و همچنین با استفاده از فرهنگ‌سازی عمومی، دریافتکنندگان قرض‌الحسنه تشویق به بازپرداخت مبلغی اضافه از وجه دریافتی به صندوق‌ها شوند. وجه تمایز این پژوهش توجه ویژه به صندوق‌های قرض‌الحسنه صنفی و حمایت از تولید بوده و خلأ آن، عدم اشاره به نقش مردم و عدم تعریف رابطه صندوق‌های قرض‌الحسنه صنفی با بانک‌ها و سایر نهادهای اقتصادی است.

حسن‌زاده سروستانی، تمیزبهر و سیمپاری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت خیرین» به ارائه الگوی فناورانه مشارکت مردم در امور خیر پرداخته‌اند. آنها استدلال کرده‌اند که استفاده از سازوکار تأمین مالی جمعی خیریه و تأمین مالی جمعی پاداش، علاوه بر بسترسازی مشارکت بیشتر مردم در انجام امور خیر، فوایدی چون حفظ آبروی افراد نیازمند، کمک به نیازمندان واقعی و کاهش تکدی‌گری، کاهش منت و آزار پس از انجام انفاق، پنهانی‌بودن انفاق و همچنین ایجاد زمینه انفاق به اندازه وسیع مالی هر فرد را به همراه خواهد داشت. اشاره به فناوری‌های جدید مالی و همچنین ارائه جزئیات عملیاتی و حقوقی فرایندها از جمله نقاط قوت این مطالعات است. در مقابل، عدم اشاره به سایر فعالیت‌های خیریه مانند ارائه قرض‌الحسنه یا تعاون در سایر امور، عدم توجه به نقش حلقه‌های اجتماعی-مردمی در اقامه امور خیر از جمله خلأهای این الگوست.

نوعی/ا قدم، حسینی، معمارنژاد و امامی‌جزء (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «اثربخشی تأمین مالی از طریق مشارکت عمومی-خصوصی در تحقق اهداف توسعه‌ای» به بررسی آثار همکاری بخش خصوصی و سازمان‌های عمومی یا دولت‌ها پرداخته‌اند. این مطالعه نشان داده است مشارکت مستقیم بخش خصوصی در قالب ترتیبات مشارکت عمومی-خصوصی، به شکل معناداری دارای اثرگذاری بالاتر بر توسعه کشور نسبت به تأمین مالی از طریق بانک، فروش اوراق بدهی و انتشار سهام پروژه‌های دولتی است.

بررسی پژوهش‌های مرتبط زنجیره عرضه تأمین مالی خرد و مردم‌سپاری فعالیت‌های تأمین مالی خرد مشخص می‌کند که هر یک از الگوها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود است. همچنین با توجه به بسترهای حقوقی مختلف و گذر بیش از ۱۵ سال از انجام برخی تحقیقات، عمده این الگوها با ساختار نهادی حال حاضر ایران منطبق نیست. وضعیت اقتصادی دهه ۹۰، پدیدآمدن نهادهای جدید و همچنین شکل‌گیری گفتمان اقتصاد مقاومتی و اقتصادی مردمی در سال‌های اخیر تغییرات گشرفی را در محیط تأمین مالی خرد کشور رغم زده است؛ از این رو نیاز است با آسیب‌شناسی دقیق وضعیت موجود به طراحی الگوی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد پرداخته شود.

با استفاده از نظرات خبرگان فقه مالی و تبعات حقوقی صورت‌گرفته و آرای مراجع معظم تقلید در روش اجتهاد چندمرحله‌ای می‌توان به این جمع‌بندی رسید.



## پیشینه تحقیق

### الف) تأمین مالی خرد

همچون بسیاری از مفاهیم اجتماعی، تعاریف متعددی برای تأمین مالی خرد ذکر شده است. از منظر واتکینز (Watkins, 2018, pp.1-5) تأمین مالی خرد به ارائه طیف گسترده خدمات مالی و غیر مالی از خدمات حساب پس انداز تا پول بانکی و بیمه گرفته تا خدمات تحصیلی و مراقبت‌های بهداشتی به اقشار کم‌درآمد و کسب‌وکارهای محروم از خدمات مالی اطلاق می‌گردد. همچنین گروه مشاوره یاری‌رسانی فقرا (CGAP, 2012, p.5) تأمین مالی خرد را به فراهم نمودن خدمات مالی رسمی برای فقرا، افراد کم‌درآمد و سایر افراد محروم‌مانده از خدمات نظام مالی تعریف کرده است که نه تنها طیف وسیعی از ابزارهای اعتباری (اهداف تجاری، حفظ سطح مصرف، تأمین مالی خدمات اجتماعی و همچنین نیازهای اضطراری) را در بر می‌گیرد، بلکه شامل خدمات پس‌انداز، انتقال وجوه و بیمه نیز می‌شود. در پژوهش حاضر، تأمین مالی خرد به ارائه خدمات متنوع مالی (فعل) به مردم محروم از آن خدمات (مخاطب) با هدف گسترش شمول مالی (غایت) اطلاق خواهد شد.

### ب) تقاضای تأمین مالی خرد

تقاضای تأمین مالی خرد را می‌توان به تقاضای بالقوه یا بالفعل استفاده از خدمات مالی گوناگون که پاسخ مناسبی از نظام مالی متعارف کشورها دریافت نمی‌کند (Ledgerwood, 2013, pp.27-28) شامل خانوارهای کم‌درآمد و کسب‌وکارهای خرد نسبت داد. نتایج مطالعات حاکی از تأثیر معنادار تأمین مالی خرد بر گسترش کسب‌وکارهای روستایی و خانگی است (Olugbenga, Mashigo, 2017, p.82 و Atmadja, Su and Sharma, 2016, p.17). از سوی دیگر امروزه مشخص شده است فقرا تقاضای قابل توجهی برای تسهیلات مالی داشته، در صورت ارائه این خدمات به همراه آموزش‌های لازم، به‌خوبی از آن استفاده می‌کنند.

مؤسسات تأمین مالی خرد با استفاده از بسترهای اجتماعی محلی - که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر را پدید آورده و با استفاده از فشار اجتماعی، نوعی ضمانت جایگزین را برای عدم بروز مخاطرات اخلاقی ارائه می‌کند) به سازوکارهای رسمی بانکی در اعتبارسنجی و اخذ وثایق

-که عملاً منجر به حذف بخش بزرگی از کارآفرینان بالقوه از خدمات بانکی می‌شود) نیاز نخواهند داشت. این مسئله منجر به جذب تقاضای بی‌پاسخ از سوی بانک‌ها به این مؤسسات خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ج) عرضه تأمین مالی خرد

تأمین مالی خرد در زندگی روزمره اجتماعی جریان داشته و اشخاص به ارائه تعاملات گوناگون مشابه با تأمین مالی خرد می‌پردازند. حتی در جوامع فقیر نیز مبادلات مالی به طور روزانه در فعالیت‌هایی مانند قرض‌های دوستانه، انجمن‌های اعتباری و نزول‌خواری در جریان است. با این حال این مصادیق با الگوی تأمین مالی کارا فاصله داشته، نیاز به بهبود جدی دارند (آرمانداز و مرداک، ۱۳۹۱). عرضه تأمین مالی خرد به ارائه خدمات تأمین مالی خرد به صورت ساختاریافته و نظام‌مند اطلاق می‌شود. بر اساس مطالعه لجرود (2013, p.29)، در یک تقسیم‌بندی مبتنی بر میزان رسمیت، می‌توان عرضه‌کنندگان را به جامعه‌محور (Community-based) و نهادی تقسیم نمود. عرضه‌کنندگان نهادی خود به مؤسسات ثبتی (Registred Institutions) و مؤسسات تنظیم‌شده (Regulated Institutions) تقسیم می‌گردند.

<sup>۱</sup> شایان ذکر است هرچند مؤسسات محلی به دلایل مذکور قادر به حذف ترتیبات رسمی در ارائه خدمات خود خواهند بود، این امکان صرفاً در ارائه مبالغ خرد محدود است. از سوی دیگر بسته به عدم بهره‌بندی شعب بانکی از بسترهای اجتماعی مؤسسات محلی و همچنین مقیاس بزرگ‌تر خدمات اعتباری آنان، کاهش بی‌برنامه الزامات اعتبارسنجی برای ثبات شبکه بانکی مضر خواهد بود.



نمودار ۱ - انواع عرضه‌کنندگان تأمین مالی خرد (Ledgerwood, 2013, p.29)

عرضه تأمین مالی خرد توسط نهادهای مردمی، خیریه، دولتی و تجاری صورت می‌پذیرد. این نهادها تلاش دارند در راستای پاسخ به تقاضای مطرح‌شده، ابزارهای گوناگونی را به مشتریان خود ارائه دهند. الگوهای متعددی از این نهادها در کشورهای مختلف جهان عملیاتی شده است که از جمله آنها می‌توان به انجمن‌های اعتبار و پس‌انداز گردشی (Rotating Credit and Savings Associations (ROSCA))، تعاونی‌های اعتباری، مؤسسات تأمین مالی خرد مردم‌نهاد (NGO Microfinance Institutions)، مؤسسات تأمین مالی خرد سپرده‌پذیر (Deposit-taking Microfinance Institutions)، مؤسسات لیزینگ، پست‌های مالی (Financial Posts)، بانک‌های روستایی و اجتماعی، بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی اشاره نمود.

جدول ۱ - الگوهای عرضه تأمین مالی خرد و مصادیق آنها

نام الگو	نقاط قوت	نقاط ضعف	مصادیق
انجمن های اعتبار و پس انداز گردشگری	سادگی عملیاتی؛ نزدیکی به متقاضی؛ سهولت در استفاده؛ خودکفایی مالی؛ غیرمتمرکز؛ هزینه عملیاتی پایین	مقیاس کوچک خدمات؛ عدم انعطاف در اقساط	خارجی: انجمن های محلی فیلیپین داخلی: صندوق های قرض الحسنه خانگی
انجمن اعتبار و جمع پس انداز	نزدیکی به متقاضی؛ انعطاف در اقساط؛ سهولت در استفاده؛ خودکفایی مالی؛ هزینه عملیاتی پایین؛ غیرمتمرکز	دارای ریسک ورشکستگی مقیاس کوچک خدمات	داخلی: صندوق های قرض الحسنه تک شعبه ای
تعاونی های اعتباری	نزدیکی به متقاضی؛ انعطاف در اقساط؛ سهولت در استفاده؛ خودکفایی مالی؛ غیرمتمرکز هزینه عملیاتی پایین	دارای ریسک ورشکستگی مقیاس کوچک خدمات	خارجی: تعاونی های اعتباری آلمان داخلی: تعاونی های اعتباری صنفی
مؤسسات تأمین مالی خرد مردم نهاد	نزدیک به متقاضی؛ انعطاف در اقساط؛ سهولت در استفاده؛ غیرمتمرکز	وابستگی مالی	خارجی: مؤسسه فوژن در هند داخلی: طرح معاونت اشتغال و کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
مؤسسات تأمین مالی خرد سپرده پذیر	نزدیک به متقاضی؛ انعطاف در اقساط؛ سهولت در استفاده؛ خودکفایی مالی؛ غیرمتمرکز	دارای ریسک ورشکستگی	خارجی: گرامین بانک بنگلادش داخلی: طرح بانکداری پیوندی بانک کشاورزی

مؤسسات لیزینگ خرد	نزدیک به متقاضی انعطاف در اقساط سهولت در استفاده غیرمتمرکز	تنوع پایین خدمات	خارجی: مؤسسه سلفینا در تانزانيا داخلی: -
پست‌های مالی	سهولت در گسترش مقیاس جغرافیایی انعطاف در اندازه تسهیلات تنوع خدمات	وابستگی به مرکز	خارجی: پست مالی آرژانتین داخلی: پست مالی ایران(تا پیش از تأسیس پست بانک)
بانک‌های دولتی	انعطاف در مقیاس خدمات	متمرکز فاصله از متقاضیان وابستگی به منابع دولت فرایندهای زمانبر اداری	خارجی: بانک راکیات اندونزی (تا پیش از عرضه در بازار سهام) داخلی: بانک کشاوری
بانک‌های تجاری خصوصی	فرایندهای زمانبر اداری انعطاف در مقیاس خدمات	متمرکز فاصله از متقاضیان	خارجی: اکوییتی بانک کنیا داخلی: -

### د) توسعه تأمین مالی خرد

با توجه به محدودیت‌های مختلف، موفقیت تأمین مالی خرد به‌تنهایی توسط مؤسسات عرضه‌کننده ممکن نیست. به همین جهت نیازمند اتخاذ راهبردی مناسب برای تقویت نهادهای عرضه‌کننده خواهیم بود. با گذشت زمان، راهبردهای مختلفی توسط پژوهشگران ارائه شده است که هر یک بخشی از کارکردهای حمایت از تأمین مالی -به خصوص واسطه‌گری میان سرمایه‌گذاران و مؤسسات تأمین مالی خرد- را پوشش داده‌اند. بررسی این راهبردها، نقشه‌ای کلان از سازوکارهای مختلف حمایتی از تأمین مالی خرد ارائه می‌دهد.

#### ۱. راهبرد مؤسسه پشتیبان یا عمده فروش (اپکس)

مؤسسه اپکس (Apex) نوعی نهاد مالی عمده‌فروشی (Wholesale) است که دو نقش واسطه‌گری و توسعه بازار را در توسعه عرضه تأمین مالی خرد ایفا می‌کند. در نقش واسطه‌گر، منابع

مالی را از سرمایه‌گذاران و حامیان دریافت کرده، میان عرضه‌کنندگان تأمین مالی خرد در قالب های وجوه بلاعوض، بدهی، مشارکت در سهام یا حتی ضمانت تسهیلات توزیع می‌کند (Forester, Duflos and Rosenberg, 2012, p.1). در این میان مؤسسه اپکس به مدیریت سررسید وجوه و مدیریت ریسک وجوه دریافت و پراخت شده خود خواهد پرداخت. در نقش توسعه بازار نیز مؤسسه اپکس می‌تواند اقدام به انتقال دانش و ارائه آموزش کارکنان مؤسسات تأمین مالی خرد کند (Gonzalez-Vega, 1998, pp.7-14)). همچنین در موارد نادر این مؤسسات با هدف تقویت توانایی مؤسسات تأمین مالی خرد اقدام به فراهم نمودن امکان شبکه مالی میان این مؤسسات (مشابه شبکه بین بانکی) نموده‌اند (Ledgerwood, 2013, p.175). الگوی اپکس دست کم در ۲۸ کشور جهان و در قالب طیف گسترده‌ای از اشکال سازمانی از بانک‌های توسعه‌ای دولتی گرفته تا بنیادهای بزرگ مستقل آزمایش شده است (CGAP, 2002, pp.1-3). الگوی اپکس بیش از هر مکان دیگری در جنوب آسیا و آمریکای جنوبی مشاهده شده است (Duflos and El-Zoghbi, 2010, p.1).

## ۲. راهبرد پلتفرم‌های وام‌دهی جمعی (Crowdlending platforms)

پلتفرم‌های وام‌دهی جمعی مانند کیوا (Kiva) و بابلون (Babylon) فرصت دریافت حمایت یا وام از افراد زیاد را برای مؤسسات تأمین مالی خرد فراهم کرده و در ازای این خدمت، مبلغی از وجوه پرداخت شده را به عنوان کارمزد دریافت می‌نمایند (CCAF, World Bank, & World Economic Forum, 2020, p.108). آنها با استفاده از ارائه اطلاعات ثبت شده مؤسسات و رتبه‌بندی آنها، پرداخت‌کنندگان وجوه را از فعالیت‌های صورت گرفته آگاه نموده و اطمینان آنان برای سرمایه‌گذاری یا حمایت را جلب می‌کنند. هرچند این الگو منجر به مشارکت بیش از پیش مردم در تأمین مالی خرد و افزایش اعتماد عمومی به این فعالیت‌های می‌شود، به دلیل هزینه‌های بالا عملیاتی و نظارتی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. اغلب مؤسساتی به این پلتفرم‌ها مراجعه می‌کنند که درجه کیفی پایین‌تری داشته و از دریافت سایر حمایت‌ها یا تسهیلات مالی ارزان‌تر ناتوان بوده‌اند<sup>۱</sup> (Sherk & Earne, 2013, p.395).

<sup>۱</sup> برخی از این پلتفرم‌ها مانند کیوا (Kiva) با هدف کاهش هزینه‌ها و همچنین استفاده از بسترهای محلی در جهت توسعه فعالیت‌های خود، از دانشجویان یا کارمندان داوطلب به جهت انجام امور نظارتی خود استفاده می‌کنند.

### ۳. راهبرد پیوند

راهبرد پیوند خود به پیوند مالی و پیوند نهادی تقسیم می‌گردد. در پیوند مالی مؤسسات مالی به تبادل سپرده و تسهیلات پرداخته، مؤسسه مالی بزرگ‌تر با توجه به پس‌انداز بالای خود، مبلغی را به مؤسسه تأمین مالی خرد وام می‌دهد یا از مؤسسه تأمین مالی خرد به عنوان وکیل خود در اعطای وام استفاده می‌کند. در راهبرد پیوند نهادی، مؤسسات تأمین مالی خرد به عنوان زیرمجموعه‌های بانک تعریف شده و به طور یکپارچه مدیریت خواهند شد. در نتیجه نه تنها تنظیم‌گری این مؤسسات آسان‌تر صورت خواهد گرفت، بلکه با توجه به اتصال آنها به شبکه بانکی و استفاده از وجوه نقد مازاد بانک‌ها، خدمات گسترده‌تری را ارائه خواهند داد (Paul and John P, 2009, pp.53-55). استفاده از این راهبرد در مناطقی که بخش‌های رسمی و غیر رسمی مالی آنها به اندازه کافی به بلوغ نرسیده است، توصیه نمی‌شود (Seibel, 1997, p.10). تجربه کشور هند، نشان از موفقیت راهبرد پیوند در افزایش شمول مالی و کاهش نکول داشته است<sup>۱</sup> (Ho and Mallick, 2017, pp.303-307).

### ۴. راهبرد گسترش

راهبرد دیگر، تقویت مؤسسات تأمین مالی خرد و افزایش مقیاس خدمات آنها در مسیر ایجاد مؤسسات بزرگ‌تر و اقتصادی‌تر است. این راهبرد از دو شیوه ادغام یا اتحاد قابل پیگیری است. بر اساس ادغام، نیاز است موانع توسعه مقیاس فعالیت‌های مؤسسات تأمین مالی خرد برداشته شده و تلاش شود تنوع، اندازه و محیط جغرافیایی خدمات آنها گسترش یابند. در نهایت مؤسساتی که قادر به توسعه سریع‌تر بوده و در رقابت با سایرین موفق بودند، تبدیل به بانک منطقه‌ای شده و سایر مؤسسات کوچک‌تر در آن منطقه به مرور حذف یا در آن بانک ادغام می‌گردند؛ همچنین در شیوه اتحاد، ممکن است مؤسسات مختلف پیش از وارد شدن به رقابت، با توافق یکدیگر متحد شده و ذیل یک شبکه واحد اقدام به فعالیت نمایند (Seibel, 1997, pp.10-17). در این راهبرد بانک‌های روستایی یا بانک‌های تأمین مالی خرد شکل خواهند گرفت. هرچند الزامات تنظیم‌گری بانک‌های پدید آمده نسبت به

<sup>۱</sup> در کشور هند تعداد گروه‌های تأمین مالی خرد متصل شده به شبکه بانکی از حدود ۱۵ هزار به بیش از ۱۸۰ هزار در میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ رسیده است.

مؤسسات پیشین ارتقا خواهد یافت، همچنان توانایی برخی فعالیت‌های بانکی مانند تبادلات بین‌المللی را نخواهند داشت (IMF, 2005, p.194).

### د) تنظیم‌گری تأمین مالی خرد

همان‌طور که گذشت تأمین مالی خرد توسط طیف وسیعی از نهادها ارائه می‌شود. بسته به اندازه و نوع فعالیت، هر یک از این نهادها اقتضائات تنظیم‌گری خاصی را به همراه خواهد داشت. به‌طور عمومی تنظیم‌گری در تأمین مالی خرد با هدف جلوگیری از بحران‌های مالی، حفاظت از مشتریان و افزایش رقابت و کارایی (Scheurle and Fanconi, 2017, pp.89) به علاوه افزایش دسترسی به خدمات مالی (Ledgerwood, 2013, p.417) صورت می‌پذیرد. گاهی اهداف تنظیم‌گری در تعارض با یکدیگر قرار خواهند گرفته و این مسئله چالش‌هایی را به همراه دارد؛ برای مثال مقررات حمایت از سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان ممکن است منجر به کاهش تنوع خدمات، کارایی مؤسسات مالی یا کاهش رشد مؤسسات در ابتدای دوره فعالیت شود (Armour, et al., 2016, p.140). همچنین به‌طور کلی بسته به اندازه کوچک و غیر رسمی یا نیمه‌رسمی بودن فعالیت‌های تأمین مالی خرد، نظارت متعارف نهادها بسیار پرهزینه و گاه غیرممکن است.

بسیاری از تحقیقات انجام‌شده مانند لجر وود (Ledgerwood, 2013, p.417-425)، فانکنی و شورله (Scheurle and Fanconi, 2017, pp.88-90)، چاوز و گنزالز-وگا (Chaves and Gonzalez-Vega, 1992, pp.7-9) میان مؤسسات سپرده‌پذیر و مؤسسات غیرسپرده‌پذیر قایل به تفکیک شده‌اند. با توجه به عدم امکان خلق پول توسط مؤسسات تأمین مالی خرد غیرسپرده‌پذیر و سپرده‌پذیر غیر بانکی، این مؤسسات از منظر تأثیر بر متغیر نقدینگی و سایر متغیرهای مرتبط با ثبات مالی، نیاز به تنظیم‌گری نخواهند داشت (آقابابایی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴). با این حال از منظر حفاظت از مشتریان و افزایش کارایی و رقابت نیازمند تنظیم‌گری به‌ویژه برای مؤسسات سپرده‌پذیر، نیازمند تنظیم‌گری خواهیم بود (Scheurle and Fanconi, 2017, p.90/ Ledgerwood, 2013, p.417). تنظیم‌گران متعددی برای این سطح از سیاست‌گذاری پیشنهاد شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به بانک مرکزی،



هیئت دولت، نهاد پولی سیاست‌گذار مجزا و موازی بانک مرکزی و مؤسسات اپکس اشاره نمود. مطالعات نشان داده است تنظیم‌گری اصولی تأمین مالی خرد منجر به تضعیف عملکرد آنها نشده است؛ اما از ریسک‌های ناشی از اثرات جانبی خود کاسته است (Hartarska and Nadolnyak, 2007, p.1220).

## روش تحقیق

۱۲۵

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / آسیب‌شناسی و ارائه الگوی زنجیره عرضه تأمین ...

این مطالعه از سه گام تشکیل شده است: ۱) استخراج نواقص الگوهای موجود تأمین مالی خرد کشور و کشف معیارهای طراحی نظام عرضه‌ی تأمین مالی خرد؛ ۲) طراحی الگوی عرضه تأمین مالی خرد؛ ۳) اعتبارسنجی الگوی استخراج‌شده. به طور کلی پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت داده‌ها، آمیخته (کیفی - کمی) است. بر اساس روش گردآوری داده‌ها در مرحله اول توصیفی-تحلیلی و در مرحله دوم توصیفی-پیمایشی محسوب می‌شود.

نخست این پژوهش ابتدا به روش تحلیل مضمون و با استفاده از روش‌های گردآوری داده کتابخانه‌ای و مصاحبه خبرگانی، به تحلیل مضامین موجود در کتب، مقالات، گزارش‌ها و همچنین خروجی مصاحبه با خبرگان علمی<sup>۱</sup> (۱۱ نفر) و خبرگان اجرایی<sup>۲</sup> (۱۶ نفر) در بررسی الگوهای تأمین مالی خرد و پاسخ به نواقص الگوهای تأمین مالی خرد در کشور در مقایسه با وضعیت مطلوب پرداخته شد. در این مرحله الگوهای گوناگون تأمین مالی خرد در کشور و جهان مطالعه، واکاوی و نقد شد و نواقص گوناگون الگوهای موجود تأمین مالی خرد در کشور مشخص و معیارهای طراحی الگوی مناسب عرضه تأمین مالی خرد استخراج شد.

سپس با توجه به مضامین استخراج‌شده و استفاده از ظرفیت‌های نهادی - اعم از نهادهای رسمی و نهادهای غیر رسمی - به طراحی ساختار پیشنهادی عرضه اعتبارات خرد در کشور

<sup>۱</sup> اعضای هیئت علمی دانشگاه یا مراکز پژوهشی که یکی از زمینه‌های مطالعاتی آنان تأمین مالی خرد، شمول مالی و یا توزیع درآمد در اقتصاد باشد.

<sup>۲</sup> افرادی که دارای مسئولیت‌های مدیریتی در سطوح مختلف و دارای حداقل پنج سال فعالیت در حوزه تأمین مالی خرد باشد.

پرداخته شد. در این مرحله به جهت افزایش غنای پژوهش از روش گروه کانونی ( Focus Group) استفاده گردید.<sup>۱</sup>

در گام نهایی به جهت بررسی مقبولیت و کارایی الگوی طراحی شده با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی، پرسشنامه‌ای برای نظرسنجی از خبرگان طراحی و در میان خبرگان تأمین مالی و آشنا با مسائل شمول مالی توزیع شد. در این مرحله ۲۶ سؤال طراحی و پس از سنجش روایی، به خبرگان ارائه شد. از خبرگان درخواست شد موافقت یا مخالفت خود را با سؤالات ارائه شده (مرتبط با اثربخشی الگوی حاضر و تطابق آن با ویژگی‌های ارائه شده) در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای اظهار نظر کنند. نتایج این نظرسنجی با استفاده از آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفت.

روایی صوری پرسشنامه با ارائه به ۹ نفر از خبرگان سنجیده شده و نظرات این افراد بر روی پرسشنامه اعمال گردید. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از ضریب لاوشه مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار از ۳۰ نفر از خبرگان درخواست شد در مورد ضرورت طرح هر یک از سؤالات پرسشنامه به ترتیب از «ضروری است» و «ضرورتی ندارد» پاسخ داده و در نهایت ۲۶ پرسشنامه تکمیل شد. به جهت محاسبه این شاخص از معادله زیر استفاده شد<sup>۲</sup> (Lawshe, 1975, p.567).

$$CVR = \frac{N_e - \frac{N_T}{2}}{\frac{N_T}{2}}$$

سؤالات پرسشنامه به همراه شاخص CVR در جدول ۲ نمایش داده شده است. مقدار بحرانی برای شاخص CVR با نمونه ۲۵ نفری ۳۷/۰ است (Lawshe, 1975, pp.567-). بدیهی است با نمونه ۲۶ نفری تمامی مقادیر بالای ۳۷/۰ با قوت تأیید خواهد شد.

<sup>۱</sup> اعضای این گروه شامل پژوهشگرانی از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات قرض‌الحسنه بنیاد علوی و همچنین افراد دارای سابق اجرایی در حوزه تأمین مالی خرد بوده است. در این جلسات، ابتدا ظرفیت‌های درونی ساختار تأمین اعتبار خرد در کشور برای حل چالش‌های موجود با دقت بررسی شده و سپس به ارائه ساختار پیشنهادی پرداخته شد.

<sup>۲</sup> در این معادله  $N_T$  برابر با تمامی پاسخ‌ها و  $N_e$  برابر با پاسخ‌های «ضروری است» است.

جدول ۲. نتایج سنجش روایی محتوایی پرسشنامه بر اساس شاخص CVR

محمور کلی	پرسش	CVR	وضعیت
کارایی از منظر خرد (مقتضیان خدمات)	۱) افزایش دسترسی خانواده‌ها با حذف الزام وثایق ملکی و ضامن‌های رسمی	۰/۹۲۳	تأیید
	۲) افزایش دسترسی خانواده‌ها با افزایش سرعت اجرای فرایندها	۰/۸۴۱	تأیید
	۳) افزایش دسترسی خانواده‌ها با افزایش انعطاف قراردادها	۰/۴۶۱	تأیید
	۴) افزایش دسترسی خانواده‌ها با تنوع بخشی به قراردادها	۰/۸۴۱	تأیید
	۵) افزایش دسترسی کسب و کارها با حذف الزام وثایق ملکی و ضامن‌های رسمی	۰/۸۴۱	تأیید
	۶) افزایش دسترسی کسب و کارها با افزایش سرعت اجرای فرایندها	۰/۷۶۹	تأیید
	۷) افزایش دسترسی کسب و کارها با افزایش انعطاف قراردادها	۰/۵۳۸	تأیید
	۸) افزایش دسترسی کسب و کارها با تنوع بخشی به قراردادها	۰/۹۲۳	تأیید
کارایی در سطح خرد (نهادهای محلی)	۹) کاهش هزینه‌های عملیاتی برای نهادهای محلی	۰/۷۶۹	تأیید
	۱۰) کاهش هزینه‌های نظارتی	۰/۵۳۸	تأیید
	۱۱) کاهش ریسک نکول تسهیلات خرد برای نهادهای محلی	۰/۷۶۹	تأیید
	۱۲) قابلیت اجرا در سطح نهادهای محلی تأمین مالی خرد	۰/۸۴۱	تأیید
کارایی در سطح خرد (نهادهای متمرکز)	۱۳) کاهش هزینه‌های عملیاتی برای نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد	۰/۷۶۹	تأیید
	۱۴) کاهش هزینه‌های نظارتی برای نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد	۰/۶۱۵	تأیید
	۱۵) کاهش ریسک نکول تسهیلات خرد برای نهادهای متمرکز	۰/۶۱۵	تأیید
	۱۶) قابلیت اجرا در سطح نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد	۰/۵۳۸	تأیید
کارایی در سطح خرد (سرمایه گذاران)	۱۷) بازگشت منابع سرمایه‌گذاری صورت گرفته (به جز وجوه اعطایی بلاعوض)	۰/۷۶۹	تأیید
	۱۸) تضمین تحقق اهداف عام المنفعه‌ی سرمایه‌گذاران	۰/۵۳۸	تأیید
	۱۹) توانایی جذب سرمایه از نهادهای حاکمیتی	۰/۳۸۴	تأیید
	۲۰) توانایی جذب منابع مالی از خیرین	۰/۶۱۵	تأیید
کارایی در سطح کلان	۲۱) افزایش اشتغال در مناطق محروم	۰/۷۶۹	تأیید
	۲۲) افزایش سطح رفاه عمومی و کاهش فاصله طبقاتی	۰/۹۲۳	تأیید

تأیید	۰/۸۴۱	۲۳) پدید آمدن ریسک‌های سیستمی در نظام پولی کشور	
تأیید	۰/۵۳۸	۲۴) افزایش همبستگی‌های اجتماعی و تقویت اجتماعات مردمی	اثر بخشی اجتماعی
تأیید	۰/۵۳۸	۲۵) افزایش استقلال تأمین مالی خرد از دولت	
تأیید	۰/۸۴۱	۲۶) افزایش مردم‌سپاری فعالیت‌های تأمین مالی خرد	

پرسشنامه در هفت محور کلی به اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی می‌پردازد: ۱) کارایی در سطح خرد (خانوارهای متقاضی خدمات)؛ ۲) کارایی در سطح خرد (کسب‌وکارهای متقاضی خدمات)؛ ۳) کارایی در سطح خرد (نهادهای محلی)؛ ۴) کارایی در سطح خرد (نهادهای متمرکز)؛ ۵) کارایی در سطح خرد (سرمایه‌گذاران)؛ ۶) کارایی در سطح کلان؛ ۷) اثربخشی اجتماعی ساختار طراحی شده. به جز سؤال ۲۳ در باقی سؤالات ارزش عددی خیلی کم برابر ۱ و خیلی زیاد برابر ۵ در نظر گرفته شد. برای سؤال ۲۳ ارزش عددی خیلی کم برابر با ۵ و خیلی زیاد برابر با ۱ در نظر گرفته شد.

### آسیب‌شناسی ساختاری عرضه تأمین مالی خرد در کشور

در سال‌های اخیر تلاش‌های متعددی در جهت ارائه خدمات اعتباری به اقشار مختلف و کسب‌وکارهای خرد در کشور صورت گرفته است؛ اما به دلیل ضعف‌ها از جمله اتکای تأمین مالی خرد به نظام بانکی، سرعت پایین فرایندها، مرکزیت‌گرایی، انتظارات اشتباه متولیان از تأمین مالی خرد، موازی‌کاری و عدم هم‌افزایی نهادهای متولی، استفاده از وثایق ملکی و ضامن‌های بانکی متعارف برای پرداخت وام، اتکای بالا به منابع دولتی، عدم مقیاس‌پذیری، عدم استفاده مؤثر از تجربیات جهانی، تنوع پایین خدمات و عدم انعطاف تسهیلات، موفقیت‌چندانی در پوشش جامعه هدف اصلی خود به دست نیاورده‌اند. اکنون به مرور ریشه‌های این چالش‌ها و پاسخ مقتضی می‌پردازیم:

#### ۱. عدم تنوع ابزارها در تأمین مالی خرد ایران

تأمین مالی خرد در کشور بر پایه تسهیلات خرد بنا شده و به پس‌انداز خرد توجه کافی نشده است. این در حالی است که بر اساس مطالعات، ارائه این خدمات بدون استفاده از پس‌انداز خرد اثرگذاری لازم را نخواهد داشت؛ چراکه نه تنها ارائه خدمت پس‌انداز خرد (Micro-Saving) منبعی نقد برای شرایط اضطراری -مانند شوک‌های اقتصادی- نیازهای

مصرفی آتی و توسعه کسب‌وکار شخصی را پدید می‌آورد، بلکه با سازوکارهایی مانند پس‌انداز خرد اجباری<sup>۱</sup>، علاوه بر افزایش نظم در مصرف و بهبود برنامه‌ریزی مالی افراد عضو در بلندمدت، اعتبار مالی افراد را افزایش می‌دهد<sup>۲</sup> (آرماندیز و مرداک، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱-۲۵۳ / Hartarska and Nadolnyak, 2007, p.1220). رشد پس‌انداز منجر به کاهش وابستگی هرچه بیشتر مؤسسات تأمین مالی خرد به منابع بیرونی و قدرت چانه‌زنی بالاتر در جذب منابع و هزینه سرمایه کمتر می‌گردد. مطابق آمار مناطق مختلف جهان، فقرا بیش از اخذ تسهیلات، تمایل به استفاده از خدمات پس‌انداز داشته‌اند<sup>۳</sup> (Watkins, 2018, p.27).

## ۲. رویکرد اشتباه حاکمیت در اجرای برنامه‌های تأمین مالی خرد

بخش دولتی و شبه‌دولتی کشور به انجام برنامه‌های متنوع حمایتی به‌ویژه با محوریت اشتغال‌زایی مبادرت ورزیده‌اند و امروزه تأمین مالی خرد کشور به طور گسترده وابسته به شبکه بانکی است (عرب مازار، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). علاوه بر چالش تمرکزگرایی در خدمات تأمین مالی خرد کشور، وابستگی خدمات به نظام بانکی، زمان‌بر شدن فرایندها و همچنین عدم پایداری ارائه خدمات شده است. این در حالی است که مطابق پژوهش‌های صورت گرفته مانند عرب مازار (۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۱۷)، شهیدی‌نسب (۱۳۹۵، ص ۳۲۸-۳۴۰)، هلمز (Helms, 2006, pp.79-80) و استاچن و نلسون (Staschen and Nelson, 2013, pp.72-76) دولت‌ها تجربه موفق از ورود مستقیم به تأمین مالی خرد نداشته‌اند و باید به

<sup>۱</sup> Forced Micro-Saving: پس‌انداز اجباری به نوعی خدمات پس‌انداز اشاره دارد که در آن، نیاز است مشتریان مطابق برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، مبالغ مشخصی را در فواصل زمان معین پس‌انداز نمایند. جهت یادآوری و ترغیب بیشتر به پس‌انداز، در برخی موارد، مؤسسات تأمین مالی خرد افرادی را جهت دریافت این پس‌اندازها به صورت حضوری به محل زندگی اعضا می‌فرستند.

<sup>۲</sup> نبود اطلاعات قابل اتکا از پیشینه مالی اشخاص، از مهم‌ترین دلایل عدم تخصیص رتبه اعتباری مناسب به بسیاری از اشخاص توانمند است. خدمات پس‌انداز موجب می‌شود پرونده مالی برای افراد تشکیل و سوابق مالی آنان به شکل قابل اتکایی ثبت شود. چنین داده‌هایی در نهایت منجر به ارتقای رتبه اعتباری فرد می‌شود.

<sup>۳</sup> برای مثال بانک سرمایه کنیا دارای ۴ میلیون پس‌اندازکننده در مقابل ۷۱۵ هزار تسهیلات‌گیرنده و بانک فرصت بین المللی مالاوی دارای ۲۵۰ هزار پس‌اندازکننده در مقابل ۴۵ هزار تسهیلات‌گیرنده بوده است؛ همچنین مطابق آمار سال ۲۰۱۵، وضعیت پس‌اندازکنندگان و تسهیلات‌گیرندگان بانک راکیات اندونزی نیز ۴۳ میلیون به ۷ میلیون نفر بوده است.

صورت غیر مستقیم وارد شوند. بر این اساس دولت‌ها به خط‌مشی‌گذاری این فعالیت‌ها در رویکردی کل‌نگر با سایر ابعاد اقتصادی پرداخته، به فراهم‌نمودن زیرساخت‌های ساختاری و قانونی اکتفا می‌کنند. خط‌مشی‌گذاری برای دستیابی به اهداف تأمین مالی خرد فرایندی پیچیده است که بازیگران مختلف را که از ابزارها و استراتژی‌های متعددی برای ارتقای شمول مالی استفاده می‌کنند، گرد هم می‌آورد. از جمله این خط‌مشی‌ها می‌توان به حمایت و مانع‌زدایی دولت در مسیر شکل‌گیری نهادهای تأمین مالی خرد و همچنین تلاش دولت برای تضمین ثبات اقتصاد کلان، آزادسازی نرخ بهره و ایجاد مقررات و چارچوب‌های نظارت بانکی اشاره کرد (Ledgerwood, 2013, pp.26-29). همچنین لازم است مؤسسات پیشتیبیان - که کارکردهایی مانند تولید دانش، گردش اطلاعات، افزایش هماهنگی درونی مؤسسات و همچنین هماهنگی مؤسسات با حاکمیت، کمک در تأمین زیرساخت و... - به وسیله دولت یا با پیگیری بخش غیر دولتی و با هدف حمایت از مؤسسات محلی تأمین مالی خرد احداث شوند تا به توسعه این بخش بیش از گذشته یاری رسانند (Ledgerwood and White, 2006, p.32).

### ۳. عدم بهره‌گیری از الگوهای نوآورانه تأمین مالی خرد

هرچند تأمین مالی خرد با هدف ارائه خدمات به گروه‌های پایین درآمدی و سایر افرادی که به خدمات مالی متعارف دسترسی ندارند شکل گرفته است، به دلیل عدم بهره‌گیری از روش‌های نوآورانه تأمین مالی خرد (احمدیان، ۱۳۹۵، ص ۳۵-۳۶) و تمرکزگرایی در اعطای خدمات، عرضه‌کنندگان تأمین مالی خرد در کشور به استفاده از وثایق و ضامن‌های مرسوم بانکی روی آورده‌اند که مانع دسترسی گروه اصلی هدف به این خدمات شده است. مطالعات مختلف از جمله لجروود (Ledgerwood, 2013, pp.49-53)، شرات (-2018, pp.23) و آرمانداز و مرداک (۱۳۹۱، ص ۵۱-۵۹) نشان داده است در صورت دسترسی مناسب گروه‌های هدف به خدمات تأمین مالی خرد، وضعیت درآمدی افراد به پایداری و تنوع رسیده است.

به علاوه مطالعات نشان داده است بهره‌گیری از الگوهای محلی تأمین مالی خرد به دلیل نبود اطلاعات نامتقارن در جوامع محلی و همچنین نظارت اجتماعی، انحراف خدمات تأمین مالی خرد از اهداف تعیین شده را به شدت کاهش داده است (آرمانداز و مرداک، ۱۳۹۱). اصلی

ترین راه حل این چالش‌ها را در جلوگیری از اتکای خدمات تأمین مالی خرد به بانک‌ها، عدم مرکزیت‌گرایی در تصمیم‌گیری و اعطای خدمات، تقویت واحدهای محلی و درنهایت استفاده از الگوهای ابتکاری تأمین مالی خرد باید جست‌وجو نمود.

#### ۴. موازی‌کاری و عدم هم‌افزایی نهادهای متولی

قانون اساسی دولت را مسئول تدوین سیاست‌های جامع رفاهی در زمینه‌های تغذیه، بهداشت، آموزش، اشتغال و مسکن نموده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۲۸-۳۲). مطابق این اصل و همراه با شعار عدالت‌خواهی، نهادها و طرح‌های گوناگون در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که بخشی از اهداف آنها مشابه اهداف تأمین مالی خرد بوده است؛ همچنین منطبق با فرهنگ ایرانی-اسلامی، نهادهای اجتماعی از دیرباز در زمینه تکافل میان افراد و قرض‌الحسنه فعال بوده‌اند. با این حال نبود رویکردی کل‌نگر در طراحی این نهادها، موجب افزایش موازی‌کاری، هم‌پوشانی، عدم اشتراک اطلاعات، عدم انتقال تجارب و عدم حمایت متقابل در مواجهه با مشکلات شده است. با هدف افزایش هم‌افزایی و جلوگیری از هدررفت منابع، نیاز است با راهبردهای گوناگون مانند اصلاحات ساختاری نهادهای حاکمیتی، شبکه‌سازی یا یکپارچه‌سازی، از هدررفت منابع سیستم بر اثر ناهماهنگی کاسته شود (طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۹-۲۳۲ / احمدیان، ۱۳۹۵، ص ۳۸ / Ledgerwood, 2013, pp.26-27).

#### ۵. عدم توجه کافی به نقش مردم در تأمین مالی خرد

از جمله دلایل عدم موفقیت حداکثری فعالیت‌های تأمین مالی خرد در کشور، عدم استفاده مؤثر از ظرفیت‌های اجتماعی ملی-مذهبی، تمرکزگرایی، وابستگی بالای این فعالیت‌های به دولت و مغفول ماندن نقش مردم در گسترش این فعالیت‌هاست. مطالعات نشان داده است هرچه نهادهای تأمین مالی خرد مستقل‌تر بوده و نقش مشارکت مردمی در فرایند خدمات تأمین مالی خرد پررنگ‌تر باشد، پایداری این نهادها افزایش خواهد یافت (طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰). با این حال در بسیاری از طرح‌هایی که امروزه با اهداف مشابه تأمین مالی خرد در کشور اجرا می‌گردد، تمرکزگرایی بالا و رویکرد بالا به پایین منجر به کاهش نقش مردم از «اقامه‌کنندگان جریان‌ساز» به «مشتری» یا «ارباب رجوع» شده است.

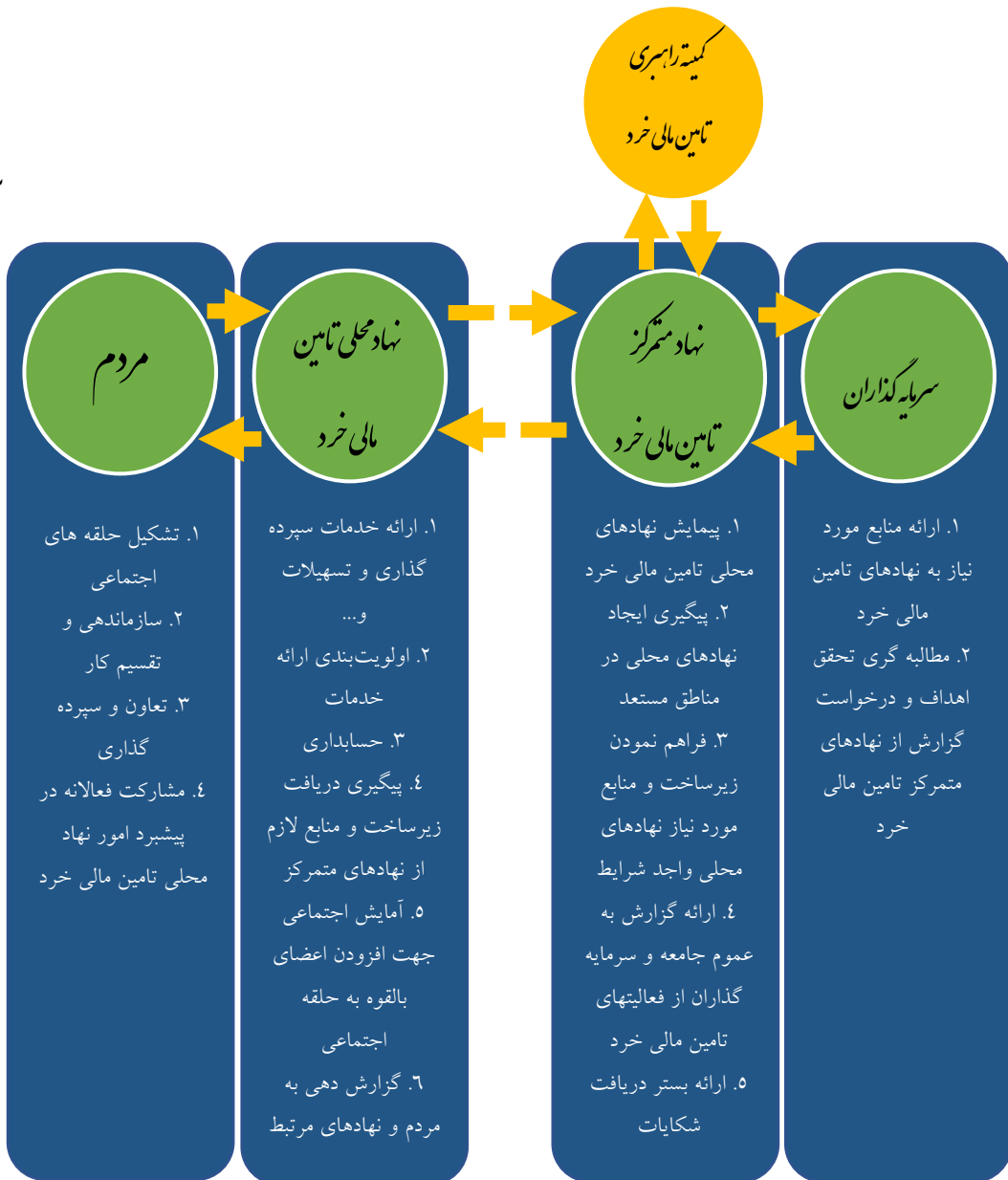
گذشته از آثار مثبت مردم‌سپاری تأمین مالی خرد، نقش مردم از کلیدی‌ترین عوامل تحقق اقتصاد مقاومتی بوده و در اولین بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی گسترش مشارکت مردم در اقتصاد از مسیر تشویق همکاری‌های جمعی تأکید ویژه‌ای شده است (حسینی و سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲). گفتنی است این مردم‌سپاری، با مفاهیم مشابه مانند جمع‌سپاری یا انبوه‌سپاری متفاوت است. در حالی که جمع‌سپاری از ترکیب دو مفهوم برون‌سپاری و جمعیت تشکیل شده است، مردم‌سپاری تأکید اصلی بر مردم به حیث فراوانی و جمعیت نداشته و بیش از هر چیز «مسئولیت انسان» را در نظر می‌گیرد (سیدطباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۴۶۹). بنابراین نقش مردم در تأمین مالی خرد فراتر از پس‌اندازکننده یا تسهیلات‌گیرنده است. مسئولیت‌پذیری متقابل، نقش‌آفرینی عملیاتی، دخالت در تصمیمات، مطالبه‌گری اجرایی سیاست‌ها، گفت‌وگو سازی و کمک در جهت تحقق آرمان‌ها از مصادیق جایگاه ویژه مردم در تأمین مالی خرد خواهد بود.

### الگوی پیشنهادی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد

در نهایت الگوی عرضه تأمین مالی خرد به شکل زیر تعریف شد. این الگو از پنج حلقه مردم، نهاد محلی تأمین مالی خرد، نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد، سرمایه‌گذاران و کمیته راهبری تأمین مالی خرد تشکیل شده است. نقش محوری این الگو بر عهده مردم خواهد بود؛ به گونه‌ای که تا پیش از عزم مردم برای تشکیل حلقه‌های اجتماعی و ساماندهی نهاد محلی، به طور کلی خدمات تأمین مالی خرد ارائه نخواهد شد؛ همچنین مدیریت نهادهای تأمین مالی



خرد محلی بر عهده مردم بوده، در دایره قوانین و مقررات مرتبط کشوری، در اداره امور خود استقلال خواهند داشت.



نمودار ۲ - الگوی پیشنهادی مقاله

**مردم:** زنجیره عرضه تأمین مالی خرد با مردم آغاز می‌شود. در الگوی تأمین مالی خرد اسلامی، جایگاه مردم نه به عنوان «مشتری» یا «ارباب رجوع» بلکه به عنوان «اقامه‌کنندگان جریان‌ساز» تعریف می‌شود؛ به طوری که این اراده مردم -یا دست کم گروهی از آنان- است که منجر به شکل‌گیری ارزش تأمین مالی خرد خواهد شد. مردم وظیفه استفاده از اعتماد اجتماعی در راه تشکیل گروه و سازماندهی و تقسیم کار میان همدیگر با هدف به‌راه‌افتادن خدمات تأمین مالی خرد را دارند. خروجی مسئولیت‌پذیری حلقه‌ی مردم، یک نهاد رسمی یا غیر رسمی سازمان‌یافته و آماده ارائه انواع خدمات مالی است. وظایف مردم به شرح زیر است:

۱. **تشکیل حلقه‌های اجتماعی:** تشکیل حلقه‌های اجتماعی نخستین گام تحقق تأمین مالی خرد خواهد بود. به طور معمول در جوامع انسانی حلقه‌های متعدد اجتماعی -مانند حلقه‌های اقوام، نمازگزاران مسجد، همکاران، دوستان و...- وجود دارد. با این حال ممکن است در برخی موارد این حلقه‌ها نیاز به تقویت داشته باشد.
۲. **سازماندهی درونی و تقسیم کار:** پس از شکل‌گیری و تقویت حلقه لازم است کارهای مختلف میان اعضا تقسیم شود. هر نهاد محلی نیازمند گروهی برای مدیریت و پیگیری امور و همچنین حسابدارانی به جهت ثبت و ضبط دقیق مبادلات مالی است.
۳. **تعاون و سپرده‌گذاری:** دیگر وظیفه مردم، مشارکت مالی در راه‌اندازی نهاد مالی محلی است. این مشارکت می‌تواند در قالب تعاون (سپرده‌گذاری وجوه بدون هدف استقراض در آینده) یا معاونت (سپرده‌گذاری با هدف استقراض در آینده) صورت پذیرد. نقش منابع معاونت با فلسفه تأمین مال خرد و فعالیت‌های مردمی همخوانی بیشتری دارد و مهم‌تر است.
۴. **مطالبه‌گری مسئولانه:** علاوه بر مسئولیت اقامه فرایندها و ساماندهی امور میان خویش، از وظایف اصلی مردم در راستای تحقق اهداف تأمین مالی خرد، مطالبه

گری انجام سیاست‌ها و برنامه‌های موجود و تدوین برنامه‌های منطبق با آرمان‌های اجتماعی-اقتصادی انقلاب اسلامی از حاکمیت است. مطالبه‌گری مسئولانه نوعی مطالبه برخاسته از دغدغه‌مندی و احساس مسئولیت است که هدف اصلی آن اقامه اهداف جامعه اسلامی - و نه منفعت شخصی - بوده و تنها هنگامی دارای معنا خواهد بود که مطالبه‌گر خود به وظایف دیگرش عمل کرده باشد.

#### ۱۴۵ نهاد محلی تأمین مالی خرد: این نهادها که توسط خود مردم شکل گرفته و مدیریت

خواهند شد، وظیفه اصلی خدمت‌رسانی تأمین مالی خرد را بر عهده دارند. هرچند پیشنهاد می‌گردد تا سخت‌گیری زیادی در تعیین مصادیق نهادهای محلی تأمین مالی خرد صورت نشود و طیف گسترده‌ای از نهادهای مردمی با فعالیت مرتبط، ذیل این عنوان قابل تعریف باشند، با هدف تنظیم‌گری و جلوگیری از خدشه‌دار شدن حقوق مردم، در الگوی حاضر دو نوع نهاد محلی ثبت‌محور (۱) و تحت نظارت مالی<sup>۱</sup> (۲) قابل پذیرش خواهد بود. تفاوت اصلی این دو دسته نهاد در شیوه تعامل با اعضا یا متقاضیان، دریافت سپرده، گستره فعالیت و همچنین نحوه تخصیص منابع است. مؤسسات تأمین مالی خرد با استفاده از بسترهای اجتماعی محلی - که عدم تقارن اطلاعاتی کمتر را پدید آورده و با استفاده از فشار اجتماعی، نوعی ضمانت جایگزین را برای عدم بروز مخاطرات اخلاقی ارائه می‌کند - به سازوکارهای رسمی بانکی در اعتبارسنجی و اخذ وثایق - که عملاً منجر به حذف بخش بزرگی از کارآفرینان بالقوه از خدمات بانکی می‌شود - نیاز نخواهند داشت. وظایف نهادهای محلی به شرح زیر است:

۱. ارائه خدمات سپرده‌گذاری و تسهیلات: نهادهای محلی وظیفه خواهند داشت با جذب و مدیریت سپرده‌ها، به ارائه خدمات تسهیلات - اعم از وام قرض‌الحسنه،

۱. مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتباری که برای فعالیت خود نیاز به اخذ مجوز از مسئولان مربوطه دارند.

فروش اقساطی، لیزینگ و...- پردازند. در ارائه تمام این تسهیلات از ضمانت گروهی یا تسهیلات بدون ضامن استفاده خواهد شد.

۲. **اولویت‌بندی ارائه خدمات:** بسته به محدودیت منابع و ابزارهای نهاد محلی در ارائه خدمات، این نهاد نیازمند تعیین اولویت‌های ارائه خدمات خود خواهد بود. با انتخاب نهاد محلی - که خود منتخب مردم محلی است - این اولویت‌ها که می‌تواند بر اساس کم‌وکیف نیاز متقاضیان - اعم از نیاز کسب‌وکارهای خرد جهت توسعه تولید و فعالیت و یا نیاز افراد جهت پوشش ملزومات ضروری مصرفی - حجم منابع در دسترس<sup>۱</sup>، ترتیب زمانی مراجعه، قرعه‌کشی و... مشخص شود.

۳. **حسابداری:** از جمله اصلی‌ترین نیاز هر نهاد مالی، ثبت و محاسبه دقیق حساب‌ها و جریان‌های نقدی خواهد بوده و نهادهای محلی تأمین مالی خرد از این قاعده مستثنا نیستند. انجام این وظیفه نه تنها در مدیریت صحیح نهاد محلی ضروری است، بلکه در شکل‌گیری جریان اطلاعات مرتبط با تأمین مالی خرد و اطمینان‌بخشی به مردم و حاکمیت بسیار مفید خواهد بود.

۴. **پیگیری زیرساخت و منابع مورد نیاز:** با توجه به تعداد اعضا و بنیه مالی، برخی منابع محلی احتمالاً توانایی تأمین تمامی زیرساخت‌های مورد نیاز فعالیت خود را نداشته باشند. این نهادها وظیفه تأمین زیرساخت با مراجعه به نهادهای متمرکز - به صورت قرضی یا خرید با تخفیف - را خواهند داشت.

۵. **گزارش‌دهی:** گزارش‌دهی منجر به افزایش شفافیت در این سیستم نسبت به فعالیت‌های نهادهای محلی و تقویت اعتماد مردم، نهادهای متمرکز و حاکمیت و امکان

۱. با توجه به محدودیت منابع صندوق‌های محلی تأمین مالی خرد، حجم منابع در دسترس عامل مهمی در تعیین اولویت‌های پرداخت اعتبارات است؛ برای مثال در صورت قدرت به شدت محدود مؤسسه محلی، مبالغ تسهیلات به شدت کاهش یافته، عملاً رافع بسیاری از نیازها نخواهد بود. در نتیجه هرچند اگر برخی درخواست‌های پراهمیت نیاز به تسهیلات بزرگ‌تری داشته باشند، ممکن است منابع به درخواست‌هایی اختصاص یابد که به منابع کمتری نیازمندند. در الگوی حاضر، تصمیم‌گیری درباره همه این ترجیحات بر عهده مردم محلی و نهاد محلی به نمایندگی از آنان خواهد بود.

استفاده حداکثری از ظرفیت هر یک از آنان خواهد شد. گزارش‌ها شاخص‌هایی مانند تعداد اعضا، تعداد تسهیلات گیرندگان، مجموع سپرده‌ها و تسهیلات در جریان، تعداد جلسات گروهی برگزار شده، میزان مشارکت اعضا در جلسات گروهی و انواع خدمات مالی قابل ارائه را به اطلاع همگان خواهد رساند؛ همچنین لازم است کاربرگ‌های اعطای تسهیلات، شامل اطلاعاتی از قبیل مبلغ وام، برنامه بازپرداخت، فرد دریافت‌کننده، اطلاعات حساب بانکی، علت دریافت وام و همچنین اسناد تراکنش صورت گرفته، برای نهادهای متمرکز ارسال گردد.<sup>۱</sup>

۶. **آمایش اجتماعی:** تشکیل حلقه‌های اجتماعی منجر به پوشش نیازهای مالی بخش بزرگی از افراد نیازمند در منطقه می‌گردد؛ با این حال همواره احتمال دارد گروهی از افراد یا کسب‌وکارهایی نیازمند خدمات مالی که به طور بالقوه قابلیت اضافه شدن به حلقه اجتماعی را داشته باشند، به دلایل مختلف از عضویت در حلقه‌های اجتماعی بازمانده باشند. از جمله وظایف نهادهای محلی، آمایش اجتماعی، کشف این گروه‌ها و فراهم نمودن مقدمات عضویت آنان خواهد بود.

**نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد:** نهادهای محلی تأمین مالی خرد با افزایش همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در گسترش شمول مالی مؤثر عمل می‌کنند؛ با این حال وجود نهادهای پشتیبان کمک شایانی به ثبات، مقیاس‌پذیری و ارتقای کیفی آنها خواهد کرد. نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد -یا نهادهای پشتیبان- نهادهایی کاملاً تخصصی و از منظر سیاسی مستقل‌اند. این نهادها می‌توانند عمومی (خدمات‌دهنده به تمام مؤسسات محلی و در تمام موضوعات) یا تخصصی (خدمات‌دهنده به گروهی از مؤسسات یا در فعالیت‌هایی خاص مانند تأمین مالی تولید- باشند. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت افزایش تولید و اشتغال در کشور، نهادهای متمرکز تخصصی حوزه تولید، اشتغال و بهره‌وری با هدف جهت‌دهی و حمایت از نهادهای محلی در ارائه خدمات حمایت از تولید یا ارتقای بهره‌وری

۱. استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای ثبت حسابداری و فعالیت‌ها، به تسریع و تسهیل گزارش‌دهی منجر خواهد شد.

تأسیس شوند. از منظر صلاحیت‌های ناظر به تأسیس، نیاز است این نهادها علاوه بر ثبت به عنوان نهاد عمومی غیر دولتی یا نهاد مردم‌نهاد، مجوز فعالیت تخصصی خود را از «کمیته راهبری تأمین مالی خرد» دریافت نمایند.<sup>۱</sup> وظایف نهادهای متمرکز به شرح زیر است:

۱. فراهم‌نمودن زیرساخت و منابع مالی مورد نیاز نهادهای محلی: بسته به ظرفیت محلی و محدود، تأمین تمامی زیرساخت‌های مورد نیاز برای نهادهای محلی به‌تنهایی ممکن نیست. نهادهای متمرکز در تهیه زیرساخت‌های مورد نیاز به نهادهای محلی تأمین مالی خرد یاری خواهند رساند؛ از سوی دیگر ممکن است با هدف تقویت بنیه مالی، مؤسسات محلی را به روش‌های مختلف از جمله مشارکت، اعطای تسهیلات و یا کمک‌های بلاعوض تأمین مالی نمایند. با هدف جلوگیری از وابستگی نهادهای محلی نیاز است مدت زمان حمایت مالی از این نهادها محدود و با نزدیک‌شدن به انتهای دوره حمایت‌ها از حجم آنها کاسته شود.

نهادهای متمرکز منابع مورد نیاز خود را از سرمایه‌گذاران مختلف از جمله خیرین، صندوق توسعه ملی، نهادهای حاکمیتی، نهادهای مالی -مانند بانک‌ها، صندوق‌های پژوهش و فناوری یا صندوق‌های نیکوکاری بازار سرمایه- یا انتشار اوراق وقف در بازار سرمایه جذب خواهند نمود؛ همچنین این نهادها می‌توانند با راه‌اندازی پلتفرم تأمین مالی شخص به شخص، به تسهیل تأمین مالی مؤسسه محلی کمک کنند. با توجه به تفاوت انتظارات هر سرمایه‌گذار، لازم است نهاد متمرکز ترکیب سبد منابع مالی خود را متناسب با اهداف و الگوهای حمایتی خود از نهادهای محلی تحت پوشش تنظیم نماید.

۱. در حال حاضر مجموعه‌هایی چون بنیاد علوی، بنیاد برکت، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کل کشور ظرفیت ایفای این نقش را داشته باشند.

۲. پیمایش نهادهای محلی تأمین مالی خرد: نظر به سنت‌های مذهبی و بومی، در بسیاری از نقاط کشور نهادهای اجتماعی متعددی با اهدافی مشابه با تأمین مالی خرد شکل گرفته‌اند. نهادهای متمرکز وظیفه دارند با پایش مناطق مختلف، نهادهای مستعد را شناسایی نموده، در جهت ارتقای کمی و کیفی آن نهادها خدمات لازم را ارائه دهند.<sup>۱</sup> تقسیم کار پیمایش بر اساس تقسیمات جغرافیایی یا موضوعی -مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه، تعاونی اعتباری، لیزینگ خرد و... می‌تواند از مسیر کمیته راهبری تأمین مالی خرد دنبال گردد.

۳. پیگیری ایجاد نهادهای محلی در مناطق مستعد: نهادهای متمرکز با اطلاع‌رسانی و آموزش در مناطق مستعد، ایجاد نهادهای محلی را از مردم و حلقه‌های اجتماعی محلی پیگیری می‌کنند. در این زمینه می‌توان از ظرفیت‌های بی‌بدیل نهادی کشور از قبیل مساجد، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های قومی - قبیله‌ای و سایر مجموعه‌های مردمی بهره برد.

۴. سنجش عملکرد و اثربخشی فعالیت نهادهای محلی: عدم سنجش عملکرد، اثربخشی و ارائه بازخورد در بلندمدت منجر به انحراف فعالیت‌های تأمین مالی خرد از اهداف اولیه خواهد شد.<sup>۲</sup> لازم است نهادهای متمرکز پیوسته به سنجش پای‌بندی به اصول -مانند مشارکت مردم محلی در مدیریت مؤسسه، وضعیت سهولت دریافت وام و به‌رسمیت شناختن ضمانت‌های زنجیره‌ای- و پایش عملکرد نهادهای محلی -مانند کیفیت و تنوع سبد وام، تنوع اعضای جذب شده، میزان شرکت افراد در جلسات جمعی، نظم در پرداخت‌ها، نظم در گزارش‌دهی و نسبت اعضای دریافت‌کننده تسهیلات- و آثار اجتماعی (اشتغال

۱. برای تحقق این مهم، نهادهای متمرکز می‌توانند از مکاتبه با فرمانداری شهرستان‌های مختلف و ظرفیت‌های موجود در سایر نهادهای تأمین مالی متمرکز بهره ببرند.

۲. بر اساس تجربه، در برخی موارد اجرای اشتباه برنامه‌های تأمین مالی خرد منجر به افزایش تنش‌های اجتماعی، افزایش فقر در اثر بدهکاری و همچنین از هم‌گسیختگی خانوارها شده است.

جوانان به فعالیتهای مولد، هزینه کرد خانوار در امور تحصیلی و درمانی، نرخ مهاجرت به مناطق دیگر و وضعیت فعالیت حلقه‌های اجتماعی) پردازند. خروجی این بررسی‌ها، علاوه بر استفاده نهاد متمرکز، در اختیار کمیته راهبری تأمین مالی خرد نیز قرار خواهد گرفت.

۵. **ارائه گزارش به جامعه و حاکمیت از فعالیتهای تأمین مالی خرد:** ارائه گزارش از سوی نهادهای متمرکز، استفاده بیشتر از ظرفیت بخش‌های مختلف سیستم از جمله جذب کمک‌های بیشتر مردمی و دولتی و همچنین گفتمان سازی تأمین مالی خرد در کشور خواهد شد.

۶. **ارائه مشاوره و تنظیم‌گری ضمنی نهادهای محلی:** از جمله وظایف نهادهای متمرکز ارائه مشاوره به نهادهای محلی تأمین مالی خرد در جهت بهبود عملکرد آنها خواهد بود. لازم است نهادهای متمرکز با رصد فعالیتهای نهادهای محلی، کمک‌های فنی و دانشی خود را به نهادهای محلی ارائه کند. همچنین با توجه به صلاحیتهایی - اعم از صلاحیتهای اولیه و همچنین نتایج حاصل از سنجش عملکرد - که به طور ضمنی در خدمت‌رسانی به مؤسسات محلی توسط نهادهای متمرکز لحاظ می‌شود، این نهادها به نوعی نهاد تنظیم‌گر ضمنی برای نهادهای محلی به شمار می‌آیند. نهادهای متمرکز با اطلاعات مناسبی که در مورد نهادهای محلی می‌یابند، به آسیب‌شناسی آنها پرداخته؛ آموزش‌ها و توصیه‌های عملیاتی مختلفی را به آنان ارائه کنند. وجود تنظیم‌گری ضمنی توسط نهادهای متمرکز، نهادهای محلی سپرده‌پذیر مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه معاونت یا تعاونی‌های اعتباری از نظارت نهادهای تخصصی مرتبط خود - مانند سازمان اقتصاد اسلامی - معاف نخواهد کرد.

۷. **حل مسائل دانشی:** هرچند از دیرباز فعالیتهای مشابه تأمین مالی خرد کشور در جریان است، این حوزه از منظر توسعه دانش مورد نیاز در وضعیت مناسبی قرار نداشته و تأمین مالی خرد مسائل دانشی حل‌نشده زیادی دارد. به علاوه،



این مسائل با گسترش و نظام‌مند شدن فعالیت‌های تأمین مالی خرد افزایش خواهد یافت. نهادهای متمرکز وظیفه دارند به طور مستقیم یا با تعامل مؤثر با مجموعه‌های علمی، به حل مسائل دانشی موجود در حوزه عملیات تأمین مالی خرد پردازند.

۸. **نماینده‌گی تأمین مالی خرد:** با توجه به اندازه کوچک و توانایی مالی محدود نهادهای محلی و در غیاب تشکلهای صنفی مناسب، نهادهای متمرکز به نمایندگی نهادهای محلی در سطح جامعه و دولت خواهند پرداخت. لازم است یادآوری گردد نمایندگی تأمین مالی خرد از وظایف اصلی نهادهای متمرکز نبوده و در صورت وجود یا شکل‌گیری تشکلهای صنفی، این وظیفه از دوش نهادهای متمرکز برداشته خواهد شد.

۱۵۱

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / آسیب‌شناسی و ارائه الگوی زنجیره عرضه تأمین ...

**سرمایه‌گذاران:** هرچند مهم‌ترین منبع تأمین مالی خرد وجوه مردم محلی است، به جهت افزایش مقیاس خدمت‌رسانی و برقرارشدن توازن منطقه‌ای در نقاط گوناگون کشور، استفاده از وجوه غیر محلی نیز لازم است. نهادهای سرمایه‌گذار، منابع مالی لازم برای توسعه نهادهای محلی را در قالب بدهی، مشارکت یا کمک‌های بلاعوض در اختیار نهادهای متمرکز می‌گذارند.<sup>۱</sup>

۱. **ارائه منابع مورد نیاز به نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد:** سرمایه‌گذاران به تزریق منابع مالی در قالب هبه یا قراردادهای مختلف مانند قرض، فروش اقساطی، اجاره و... به نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد می‌پردازند.

۲. **مطالبه‌گری تحقق اهداف و درخواست گزارش از نهادهای مرکزی تأمین مالی خرد:** سرمایه‌گذاران با مطالبه‌گری در قالب درخواست گزارش و رصد فعالیت‌ها، از نهادهای متمرکز تحقق اهداف خود را پیگیری می‌کنند.

---

۱. از جمله سرمایه‌گذاران بلقوه‌ی تأمین مالی خرد در کشور می‌توان به صندوق توسعه ملی، خیرین، نهادهای بین‌المللی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و صندوق توسعه روستایی اشاره نمود.

**کمیته راهبری تأمین مالی خرد:** در نهایت با هدف افزایش هم‌افزایی کلی در فعالیت‌های تأمین مالی خرد کشور، افزایش هماهنگی‌ها میان بخش‌های اداری و مردمی، افزایش پشتیبانی از تأمین مالی خرد در حاکمیت، ایجاد بستری برای نظارت و تدوین دستورالعمل‌های مرتبط با مؤسسات متمرکز تأمین مالی خرد و همچنین رسیدگی به شکایات احتمالی از نهادهای متمرکز نیاز است تا کمیته‌ای با عنوان «کمیته راهبری تأمین مالی خرد» تشکیل گردد. همچنین لازم است اعضای کمیته راهبری متشکل از مسئولان دولتی و حکومتی و همچنین مسئولان نهادهای متمرکز تأمین مالی خرد باشد.

با توجه به ظرفیت‌های نهادهای جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود اعضای این کمیته از پنج نماینده از مؤسسات تأمین مالی خرد متمرکز - که با رأی‌گیری از میان این مؤسسات انتخاب می‌گردند - به همراه یک عضو به نمایندگی از معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری به عنوان دبیر کمیته، یک عضو نمایندگی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یک عضو نمایندگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، یک عضو به نمایندگی سازمان اقتصاد اسلامی و یک عضو به نمایندگی دادگستری کل کشور و همچنین دو عضو ناظر (بدون حق رأی) از اتاق تعاون ایران و کمیته امداد امام خمینی (ره) تشکیل شده باشد.<sup>۱</sup>

### اعتبارسنجی الگوی ارائه شده

در ادامه به تحلیل توصیفی داده‌ها بر مبنای فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها و همچنین تحلیل استنباطی داده‌ها با استفاده از آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای پرداخته می‌شود. جدول برخی آماره‌های توصیفی سؤالات پرسشنامه را نشان می‌دهد:

۱. با توجه به ساختار نهادهای کشور، پیشنهاد می‌شود تا دبیرخانه این کمیته در معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری مستقر باشد.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی سؤالات پرسشنامه

شماره سؤال	حداقل	حداکثر	متوسط	انحراف معیار	شماره سؤال	حداقل	حداکثر	متوسط	انحراف معیار
سؤال ۱	۱	۵	۴.۰۰۰	۰.۷۹۱	سؤال ۱۴	۲	۵	۳.۵۷۶	۰.۹۶۹
سؤال ۲	۲	۵	۳.۸۱۸	۱.۰۱۴	سؤال ۱۵	۲	۵	۳.۷۵۸	۰.۷۵۱
سؤال ۳	۱	۵	۳.۴۵۵	۱.۰۹۲	سؤال ۱۶	۲	۵	۳.۳۶۴	۰.۸۵۹
سؤال ۴	۲	۵	۳.۸۱۸	۰.۹۱۷	سؤال ۱۷	۱	۵	۳.۷۸۸	۰.۸۹۳
سؤال ۵	۲	۵	۳.۵۱۵	۰.۸۷۰	سؤال ۱۸	۲	۵	۳.۴۲۴	۰.۹۰۲
سؤال ۶	۲	۵	۴.۰۰۰	۰.۷۵۰	سؤال ۱۹	۲	۵	۴.۰۳۰	۰.۸۱۰
سؤال ۷	۱	۵	۳.۵۷۶	۱.۰۶۲	سؤال ۲۰	۱	۵	۳.۵۷۶	۰.۹۶۹
سؤال ۸	۱	۵	۳.۶۰۶	۰.۹۳۳	سؤال ۲۱	۱	۵	۳.۶۹۷	۱.۱۰۴
سؤال ۹	۱	۵	۳.۶۳	۱.۰۸۴	سؤال ۲۲	۱	۵	۳.۷۲۷	۱.۰۹۸
سؤال ۱۰	۱	۵	۳.۷۵۰	۰.۹۸۴	سؤال ۲۳	۱	۵	۳.۵۷۶	۱.۰۳۲
سؤال ۱۱	۲	۵	۳.۴۲۴	۱.۰۰۱	سؤال ۲۴	۱	۵	۳.۷۵۸	۱.۱۴۶
سؤال ۱۲	۱	۵	۳.۶۶۷	۰.۸۵۴	سؤال ۲۵	۳	۵	۴.۲۴۲	۰.۷۹۲
سؤال ۱۳	۲	۵	۳.۶۹۷	۰.۸۱۰	سؤال ۲۶	۲	۵	۳.۷۲۷	۰.۸۳۹

با افزایش حجم نمونه به بیش از ۳۰ نفر توزیع نمونه نرمال فرض شده و از آمار پارامتریک استفاده شد. در این میان، فرض صفر و فرض جایگزین (فرض یک) به صورت زیر تعریف شده و با استفاده از آزمون  $t$  تأیید یا رد آن بررسی شد (جدول ۴).

فرض صفر: میانگین نمره مؤلفه اعتبارسنجی با مقدار ۳ اختلاف معناداری ندارد.

فرض یک: میانگین نمره مؤلفه امکان‌سنجی مالی با مقدار ۳ اختلاف معناداری دارد.

سپس معناداری آزمون سؤالات هر بخش را بررسی کردیم. با توجه به نتایج جدول ۴ تمامی آزمون‌ها درجه معناداری زیر ۰/۰۵ داشتند؛ از این رو فرض یک تمامی سؤالات مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۴. نتیجه آزمون اعتبارسنجی سؤالات مرتبط با کارایی در سطح خرد برای متقاضیان

مقدار آزمون = ۳						سؤالات
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره آزمون	
حد بالا	حد پائین					
4.2803	3.7197	4.00000	۰/۰۰۰	۳۲	۷.۲۶۶	سؤال ۱
4.1778	3.4586	3.81818	۰/۰۰۰	۳۲	۴.۶۳۵	سؤال ۲
3.8419	3.0672	3.45455	۰/۰۰۲	۳۲	۲.۳۹۰	سؤال ۳
4.1433	3.4930	3.81818	۰/۰۰۰	۳۲	۵.۱۲۵	سؤال ۴
3.8238	3.2065	3.51515	۰/۰۰۲	۳۲	۳.۴۰۰	سؤال ۵
4.2659	3.7341	4.00000	۰/۰۰۰	۳۲	۷.۶۵۹	سؤال ۶
3.9522	3.1993	3.57576	۰/۰۰۵	۳۲	۳.۱۱۶	سؤال ۷
3.9370	3.2751	3.60606	۰/۰۰۱	۳۲	۳.۷۳۰	سؤال ۸
4.0209	3.2518	3.63636	۰/۰۰۲	۳۲	۳.۳۷۱	سؤال ۹
4.1047	3.3953	3.75000	۰/۰۰۰	۳۲	۴.۳۸۰	سؤال ۱۰
3.7792	3.0693	3.42424	۰/۰۲۳	۳۲	۲.۴۳۵	سؤال ۱۱
3.9695	3.3639	3.66667	۰/۰۰۰	۳۲	۴.۴۸۵	سؤال ۱۲
3.9840	3.4099	3.69697	۰/۰۰۰	۳۲	۴.۹۴۶	سؤال ۱۳
3.9194	3.2321	3.57576	۰/۰۰۲	۳۲	۳.۴۱۳	سؤال ۱۴

سؤال ۱۵	۵.۷۹۳	۳۲	۰/۰۰۰	3.75758	3.4912	4.0240
سؤال ۱۶	۲.۴۳۱	۳۲	۰/۰۲۴	3.36364	3.0589	3.6684
سؤال ۱۷	۵.۰۶۹	۳۲	۰/۰۰۰	3.78788	3.4713	4.1045
سؤال ۱۸	۲.۷۰۱	۳۲	۰/۰۱۳	3.42424	3.1043	3.7442
سؤال ۱۹	۷.۳۱۱	۳۲	۰/۰۰۰	4.03030	3.7433	4.3173
سؤال ۲۰	۳.۴۱۳	۳۲	۰/۰۰۲	3.57576	3.2321	3.9194
سؤال ۲۱	۳.۶۲۸	۳۲	۰/۰۰۱	3.69697	3.3057	4.0883
سؤال ۲۲	۳.۸۰۷	۳۲	۰/۰۰۰	3.72727	3.3381	4.1164
سؤال ۲۳	۳.۲۰۶	۳۲	۰/۰۰۳	3.57576	3.2099	3.9416
سؤال ۲۴	۳.۷۹۶	۳۲	۰/۰۰۰	3.75758	3.3511	4.1641
سؤال ۲۵	۹.۰۱۴	۳۲	۰/۰۰۰	4.24242	3.9617	4.5232
سؤال ۲۶	۴.۹۷۷	۳۲	۰/۰۰۰	3.72727	3.4296	4.0249

بررسی اعتبار کلی شش محور ذکر شده، متوسط پاسخ‌های خبرگان به سؤالات ذیل هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه شد. سپس فرضیات زیر جهت آزمون مجدد  $t$  برای محورهای کلی تعریف گردید.

فرض صفر: میانگین نمره شاخص با مقدار ۳ اختلاف معناداری ندارد.

فرض یک: میانگین نمره شاخص با مقدار ۳ اختلاف معناداری دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌ها بر اساس آزمون  $t$  تک‌نمونه‌ای برای ابعاد مختلف کارایی

اقتصادی و اثربخشی اجتماعی

مقدار آزمون = ۳				
آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف میانگین

حد بالا	حد پائین					
3.9397	3.6058	3.77273	۰/۰۰۰	۱۳۹	۴/۶۹۷	کارایی در سطح خرد (متقاضیان خانوار)
3.8327	3.5158	3.67424	۰/۰۰۰	۱۳۹	۳/۷۰۳	کارایی در سطح خرد (متقاضیان کسب و کار خرد)
3.7894	3.4530	3.62121	۰/۰۰۱	۱۳۹	۳/۶۲۳	کارایی در سطح خرد (نهادهای محلی)
3.8449	3.5086	3.67677	۰/۰۰۰	۹۸	۴/۶۱۱	کارایی در سطح خرد (نهادهای متمرکز)
3.8064	3.4967	3.65152	۰/۰۰۰	۱۳۹	۴/۱۶۱	کارایی در سطح خرد (سرمایه گذاران)
3.8234	3.4645	3.64394	۰/۰۰۲	۱۳۹	۳/۵۵۰	کارایی در سطح کلان
4.1004	3.7178	3.90909	۰/۰۰۰	۹۸	۵/۴۴۴	اثربخشی اجتماعی

مطابق خروجی آزمون، معناداری تمامی مؤلفه‌های ذکر شده کمتر از ۰/۰۵ شده و فرض یک همه مؤلفه‌ها از نظر خبرگان تأیید شد که به معنای تأیید کارایی اقتصادی و اثربخشی اجتماعی این نوع ساختار نزد خبرگان است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هرچند وضعیت شاخص‌های پایه شمول مالی (دسترسی به بانک و نقاط خدمات‌دهی) در ایران بسیار خوب است، همچنان وضعیت موجود در شاخص دسترسی به اعتبار فاصله زیادی تا نقطه مطلوب خود دارد. هرچند با هدف توسعه دسترسی افراد و کسب‌وکارهای خرد به اعتبارات مالی، برنامه‌های متعدد تأمین مالی خرد یا برنامه‌هایی با اهداف مشابه در کشور به اجرا رسیده است، اما این فعالیت‌ها به دلیل تمرکزگرایی، اتکا به شبکه بانکی و دولت‌محوری و عدم استفاده از بسترهای اجتماعی و ظرفیت‌های مردمی در کنار غفلت از

سازوکارهای نوآورانه تأمین مالی خرد در ارائه خدمات منجر به الزامات مالی بالای نظام وثایق و تضامین، پیچیدگی و سرعت فرایندهای موجود در اعطای اعتبار و همچنین عدم لختی سازوکارها و قراردادها در ارائه خدمات اعتباری با اقساط منعطف، منجر به محرومیت بخش بزرگی از جامعه ایرانی از تأمین مالی خرد ارائه‌شده در کشور شده است.

در این پژوهش با استفاده از مفهوم زنجیره عرضه اقدام به الگوی جدیدی از نهادها، ارتباط درون نهادی و همچنین فعالیت‌های لازم برای عرضه تأمین مالی خرد کشور صورت گرفت. پس از انجام آسیب‌شناسی عرضه تأمین مالی خرد در کشور و بررسی راهکارها، به طراحی زنجیره عرضه خدمات تأمین مالی خرد متناسب با ظرفیت‌ها و اقتضات اجتماعی-اقتصادی کشور پرداخته شد. زنجیره عرضه پیشنهادشده به عنوان یک کلان‌الگو می‌تواند با اتصال نظام‌مند نهادهای تخصصی به نهادهای مردمی منجر به استفاده ظرفیت‌های موجود مردمی در حوزه تأمین مالی خرد و برطرف نمودن خلأهای موجود شود. این الگو با تمرکز بر حلقه‌های مردمی و گزارش‌دهی و مطالبه‌گری، همیاری اجتماعی را تشویق نموده و با نظام‌مندکردن مسیر حمایت‌های دولتی در زمینه تأمین مالی خرد، به تعمیق رابطه مردم و حاکمیت می‌پردازد. همچنین با تقسیم کار میان واحدهای محلی و واحدهای متمرکز موجب تخصصی‌ترشدن امور در حوزه تأمین مالی خرد می‌گردد.

در مطالعه حاضر ضمن ارائه الگوی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد، کارایی اقتصادی و اثربخشی اجتماعی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس ابتدا به بررسی نیازهای مرتبط با شمول مالی در کشور و الگوهای تأمین مالی خرد مطرح‌شده در جهان و نقد این الگوها پرداخته شده و سپس با هدف پوشش خلأهای موجود در نظام تأمین مالی خرد کشور و دریافت کمک از خبرگان، الگوی زنجیره عرضه تأمین مالی خرد طراحی شد. سپس برای اعتبارسنجی الگو از دو منظر کارایی اقتصادی و اثربخشی اجتماعی، با پرسش از خبرگان تأمین مالی آشنا به مسائل شمول مالی، کارایی این الگوی در دو سطح خرد-برای متقاضیان حقیقی و کسب‌وکارهای خرد، نهادهای محلی، نهادهای متمرکز و سرمایه‌گذاران- و کلان و همچنین اثربخشی اجتماعی بررسی گردید و به تأیید خبرگان رسید.

از مزیت‌های الگوی حاضر استفاده از ظرفیت‌های مردمی در تحقق تأمین مالی خرد، افزایش عدالت توزیعی با گسترش شمول مالی، گسترش همبستگی اجتماعی از مسیر تقویت

حلقه‌های مردمی، جلوگیری از تمرکزگرایی، اتکا به شبکه بانکی و دولت‌گرایی تأمین مالی خرد در کشور، تدوین الگوی سازمان پشتیبان برای تأمین مالی خرد و کاهش کژگزینی و مخاطرات اخلاقی در تأمین مالی خرد کشور به دلیل نظارت اجتماعی مردم محلی، تقویت جهت پس‌انداز در تأمین مالی خرد کشور و همچنین ایجاد الگوی نهادی نمایندگی برای تأمین مالی خرد در ارتباط با حاکمیت است.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. آرمانداز، د.، مرداک، و (۱۳۹۱). *اقتصاد تأمین مالی خرد*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۳. آقابابایی، ر. (۱۳۸۶). *تحلیل مسائل نهادی مالی خرد برای ارائه سازوکار عملیاتی آن در ایران*. تهران: دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۴. احمدیان، م. (۱۳۹۵). *تأمین مالی خرد؛ تجربه جهانی و وضعیت ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. بنرجی، آبهیجیت، و استر، دوفلو (۱۳۹۶). *اقتصاد فقیر: بازاندیشی بنیادین در شیوه مبارزه با فقر جهانی*. ترجمه خیرخواهان و فیضی؛ تهران: دنیای اقتصاد.
۶. حبیب‌الله پورزرشکی، م. و خسروی، م. (۱۴۰۰). *بررسی مصوبات کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ کل کشور تبصره «۱۶» - تسهیلات تکلیفی*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۷. سلیمانی، م.، و حسینی، س. (۱۳۹۸). *الگوی مشارکت مردم در اقتصاد، با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۱)، ۱۳۱-۱۵۱.
۸. سیدطباطبایی، م. (۱۴۰۰). *واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های مکتب مدیریت دولتی اسلامی بر پایه اندیشه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)*. رساله دکتری دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع).
۹. شهیدی‌نسب، م. (۱۳۹۵). *طراحی نظام تأمین مالی خرد بر اساس آموزه‌های اقتصاد و مالی اسلامی*. رساله دکتری تخصصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



۱۰. طغیانی دولت‌آبادی، م. (۱۳۸۶). *تأمین مالی خرد در ایران و راههای توسعه آن (با رویکردی اسلامی)*. دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. عرب‌مازار، ع. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی خدمات مالی خرد در بانک کشاورزی ایران*. تهران: بانک کشاورزی ایران.
۱۲. عزیزنژاد، ص.، م. شهبازی غیاث‌آبادی، و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی نظام بانکی ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
13. Armour and Awrey and Davies and Enriques and Gordon and Mayer and Payne (2016). *Principles of Financial Regulation*. Oxford: Oxford University Press,.
14. Armstrong, K. and M. Ahsan & C. Sundaramur (2018). Microfinance ecosystem: How connectors, interactors, and institutionalizers co-create value. *Business Horizons*, 61, 147-155.
15. Atamdja, A. S., J. Su and Sharma p. (2016). Examining the impact of microfinance on microenterprise performance. *International Journal of Social Economics*, 10 (43).
16. Beck, E. and Radhakrishnan B. (2017). Tracing Microfinancial Value Chains: Beyond the Impasse of Debt and Development. *Sociology of Development*, 2 (3), 116-142.
17. CCAF and World Bank and World Economic Forum (2020). *Global COVID-19 FinTech Market Rapid Assessment Study*. University of Cambridge, World Bank Group and the World Economic Forum.
18. CGAP (2012). *A Guide to Regulation and Supervision of Microfinance*. Washington, DC: World Bank.
19. CGAP (2002). *Helping to Improve Donor Effectiveness in Microfinance; Apex Institutions in Microfinance*. Washington D.C.: CGAP.
20. Chaves, R. A. and Gonzalo-Vega C. (1994). *Should Principles of*

- Regulation and Prudential Supervision*. Columbus: The Ohio State University.
21. Demircug-Kunt, Asli and Klapper, Leora, Singer, Dorothe, Ansar, Saniya and Jake, Hess (2017). *The Global Findex Database*. Washington DC: The World Bank.
  22. Duflos, D. and El-Zoghbi M. (2010). *Apexes: An Important Source of Local Funding*. Washington D.C., CGAP.
  23. Forester, F, E. Duflos and R. Rosenberg. *A New Look at Microfinance Apexes*; Washington, D.C., CGAP.
  24. Gonzalez-Vega, Claudio (1998). *Microfinance Apex Mechanisms: Review of the Evidence and Policy Recommendations*. Columbus: The Ohio State University.
  25. Gutiérrez-Goiria, J. and Ruiz, V. and Pérez, Miguel Angel (2017). Microfinance banks: feasibility and performance compared to traditional banking. *XXIV AEDEM International Conference*, 1-20.
  26. Hartarska, V., and D. Nadolnyak (2007). Do regulated microfinance institutions achieve better sustainability and outreach? Cross-country evidence. *Applied Economics*, 1207-1222.
  27. Helms, Brigit (2006). *Access for All, Building Inclusive Financial System*. Washington, DC, CGAP.
  28. Ho, Shirley J. and Sushanta K. Mallick. Does Institutional Linkage of Bank-MFI Foster Inclusive Financial Development Even in the Presence of MFI Frauds, *Scottish Journal of Political Economy*, 64 (3), 283-309.
  29. IMF (2005). *Financial Sector Assessment: A Handbook*. Washington D. C., The International Bank for Reconstruction and Development and The World Bank and The International Monetary Fund,.

30. Joaquim, G, F. Netto J. and Ornelas (2021). *Government Banks and Interventions in Credit Markets*. New York, Columbia University,.
31. Karlan, Dean, Jake Kendall, Rebecca Mann, Rohini Pande, Tavneet Suri, and Jonathan Zinmen (2016). *Research and Impacts of Digital Financial Services*. Cambridge, Natinal Bureau of Economic Research,.
32. Lawshe, C. H. (1975). A Quantitative Approach to Content Validity. *Personnel Psychology*, 563-575,.
33. Ledgerwood, J., and White V. (2006). *Transforming Microfinance Institutions: Providing Full Financial Services to the Poor*. Washington D. C., The World Bank,.
34. Ledgerwood, J. (1998). *Microfinance Handbook: An Institutional and Financial Perspective (Sustainable Banking With the Poor)*. Washington, D. C., The World Bank,.
35. Ledgerwood, J. (2013). *The New Microfinance Handbook: A Financial Market System Perspective*. Washington, DC, World Bank,.
36. Mohamed, H. (2020). Empowering the Poor and Enhancing Financial Inclusion from a Multidimensional Perspective. In: Saaid Ali, A. E, K. Mohamed Ali and M. Khaleeqzaman, *Enhancing Financial Inclusion through Islamic Finance*, Volume I, Cham: Palgrave Macmillan,.
37. Neogi, Chiranjib and Sudipto Ghosh (2017). Access to Finance, Entrepreneurship, and Empowerment: A Case Study. In: Chiranjib Neogi, Amit Kumar Bhandari and Sudipto Ghosh, *Women's Entrepreneurship and Microfinance*, Singapore: Springer Nature Singapore, 173-191.
38. Olugbenga, S. and Mashigo P. (2017). The Impact of Microfinance on Microenterprises. *Investment Management and Financial Innovations*, 4(3).

39. Robinson, M. (2001). *The Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor*. Washington DC, The World Bank,.
40. Scheurle, P. and Fanconi P. A. (2017). *Small Money Big Impact: Fighting Poverty with Microfinance*, Newyork, John Wiley & Sons,.
41. Seibel, Hans D (1997). *Upgrading, Downgrading, Linking, Innovating: Microfinance Development Strategies-A Systems Perspective*. Köln: University of Cologne,.
42. Sherk, L. and Earne (2013). Funding. In: J. Ledgerwood, *The new microfinance handbook*, Washington D.C., The World Bank, .379-412.
43. Staschen, S., and C. Nelson (2013). The Role of Government and Industry in Financial Inclusion. In: J. Ledgerwood, *The New Microfinance Handbook: A Financial System Perspective*, Washington D.C.: The World Bank, 71-95.
44. Watkins, Todd A. *Introduction To Microfinance*. World Scientific Publishing: Singapore.